

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا

تنها خدا از (زمان) قیامت آگاه است، و هیچ میوه‌ای از پوشش خود بیرون نمی‌آید، و هیچ ماده‌ای بلرزد نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند، مگر

وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ

این که (خدا) کاملاً از آن آگاه است. و روزی (را یاد کن) که آنان را ندا می‌دهد: «(خدایانی که به خیال شما) شریکان من (بودند) کجا

أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا أَذْنَابُكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ﴿٤٧﴾ وَضَلَّ

هستند؟» می‌گویند: «ما که» به تو اعلام کردیم، از میان ما، هیچ کسی نیست که (بر وجود شریک برای تو) گواهی دهد. ﴿۴۷﴾ و آنچه در

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ ﴿٤٨﴾

گذشته می‌پرستیدند، کم و از نظرشان ناپدید می‌شود و یقین می‌کنند که هیچ راهی برای فرار نخواهند داشت. ﴿۴۸﴾

لَا يَسْمَعُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ

انسان از طلب منافع مادی خسته نمی‌شود، و اگر سختی و گرفتاری‌ای به او برسد، بسیار مأیوس

قَنُوطٌ ﴿٤٩﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتهُ

و نومید می‌شود. ﴿۴۹﴾ و اگر پس از آن که گرفتاری به او رسیده، رحمتی (انذک) به او بچشانیم، بی‌شک می‌گوید:

لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ

«این حق من و برای خودم است، و گمان نمی‌کنم که قیامت برپا شود، و اگر (هم) به پیشگاه پروردگرم بزرگ‌دانه شوم،

رَبِّي إِنْ لِي عِنْدَهُ لِلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا

زود او بهترین (پاداش) را خواهم داشت.» پس (آنگاه که قیامت برپا شود)، قطعاً کافران را از گناهانشان آگاه می‌کنیم

وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٠﴾ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ

و حتی از عذابی سخت به آنان می‌چشانیم. ﴿۵۰﴾ هنگامی که به انسان نعمت می‌بخشیم، پشت می‌کند و با تکبر (از ما) دور

أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ

می‌شود، و هنگامی که سختی و گرفتاری‌ای به او می‌رسد، (برای بر طرف شدنش) دعایی فراوان و مستمر (به پیشگاه خدا) دردد.

﴿٥١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ

﴿۵۱﴾ بگو: به من خبر دهید اگر (این قرآن) از جانب خدا باشد و (با این حال) باز هم (حقانیت) آن را انکار کنید، (در آن صورت)

مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ سَرُّيْهِمْ ءَايَاتِنَا

چه کسی گمراه‌تر است از آن که در مخالفتی دور و دراز (یا حق و حقیقت) به سر می‌برد؟ ﴿۵۲﴾ به زودی نشانه‌های خود را (که)

فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ

در کرانه‌های آسمان و زمین) و (همچنین) در (وجود) خودشان (است)، به آنان نشان می‌دهیم تا برایشان روشن شود

أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٥٣﴾ أَلَا إِنَّهُمْ

که این (قرآن) حق است. آیا (برای آنان) کافی نیست که پروردگار تو بر همه چیز گواه است؟ ﴿۵۳﴾ آگاه باشید که

فِي مَرِيَّةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ ءَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ ﴿٥٤﴾

آنان در پله‌ی ملاقات با پروردگارشان در تردید به سر می‌برند؛ آگاه باشید که او به همه چیز احاطه دارد. ﴿۵۴﴾

۵۲. آخرین سخن با مخالفان: دین اسلام، دین منطق و استدلال است. قرآن بارها از واژه‌ی «برهان» (دلیل روشن) استفاده کرده و از مخالفان خود خواسته که برهان خویش را طرح کنند. قرآن همچنین خود را نیز برهان معرفی می‌کند. علت تأکید اسلام بر این روش، این است که دلایل عقلی، مطمئن‌ترین راه برای درک حقیقت است و تمام انسان‌های عاقل می‌توانند از استدلال و برهان نتیجه‌گیری کنند. پیامبر اسلام ﷺ از سوی خدا معجزات آشکار و دلایل عقلی فراوانی به مردم ارایه کرده که هر انسان خردمند و منصفی را قانع می‌کند. با وجود این ممکن است کسی بگوید که هرچند عقل در برابر منطق اسلام تسلیم می‌شود، شاید اشتباه هم بکند و آنچه پیامبر ﷺ در مورد خدا، فرشتگان، بهشت و جهنم - که همگی از چشم‌ها پنهان هستند - گفته، ممکن است حقیقت نداشته باشد. خدا در آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی هود در پاسخ چنین ایرادی می‌فرماید: با همه‌ی این دلایل و معجزات، کافران می‌گویند: محمد، قرآن را از خود بافته است؛ ای پیامبر، بگو: اگر من قرآن را به دروغ از خودم بافته باشم و شما به سبب دلایلی که من آورده‌ام، به آن ایمان آورده باشید، گناه دروغ من به عهده‌ی خودم است و شما مرتکب اشتباهی نشده‌اید؛ زیرا راه عقل و منطق را طی کرده‌اید. البته بی‌شک محال است که مطلبی عقلی حقیقت نداشته باشد؛ ولی در برابر سخنان غیرمنطقی مخالفان، بیان این سخن نیز لازم است.

قرآن اما از این سخن نیز فزادتر می‌رود و با کسانی که با هر نوع منطق و استدلالی سر جنگ دارند، از راه سومی وارد می‌شود و آخرین سخن را با ایشان چنین می‌گوید: اگرچه شما خدا، وحی و معاد را به سبب ناپیدا بودنشان انکار می‌کنید، هیچ دلیلی هم بر رد آن ندارید؛ پس احتمال دهید که ادعای پیامبران حقیقت داشته باشد. در آن صورت، بی‌شک شما زیان خواهید کرد. اما به فرض محال که سخنان آنان درست نباشد، آنان و پیروانشان در دنیا زبانی نکرده‌اند؛ چراکه مانند مردم دیگر زندگی کرده و از دنیا نیز بهره برده‌اند. در حدیثی آمده است که امام صادق ع به شخصی به نام «ابن ابی‌العوجاء» - که یکی از سران کفر در زمان خود بود - پس از بارها بحث و استدلال فرمود: «اگر مطلب این باشد که تو می‌گویی [یعنی خدا و قیامتی در کار نباشد] - که بی‌شک چنین نیست - ، هم ما اهل نجات‌ایم و هم تو؛ ولی اگر مطلب این باشد که ما می‌گوییم - که این طور است که ما می‌گوییم - ما اهل نجات خواهیم بود و تو هلاک می‌شوی.» در این هنگام، ابن ابی‌العوجاء رو به همراهانش کرد و گفت: درون قلبم دردی احساس کردم؛ مرا بازگردانید. او را باز گرداندند و پس از مدتی با همان کفر و عناد مرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

حَمْرٌ ۱ عَسَقٌ ۲ كَذَلِكَ يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ

۱. هم، ۱ عین، سین، قاف، ۲. خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم، مانند این (وحی کردن که اکنون مخاطب آن هستی، بسیاری از معارف را) بر تو و بر پیامبرانی

اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۳ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۴

که پیش از تو بوده‌اند، وحی می‌کند (و فرستادن وحی، پدیده‌ای جدید و منحصر به فرد نیست). ۳. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط برای

وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ۵ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ ۶

لوسه، و اوست که بلندتر و بزرگ است، ۶. چیزی نمائنده که (در هنگام نزول وحی) آسمان‌ها (از عظمت آن، یکی پس از دیگری) از فراز یکدیگر شکافته

وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي

شوند، و فرشتگان، در حالی که پروردگارشان را می‌ستایند، (از هر عیب و نقیصی) منزه‌اش می‌شمرند و (از خدا) برای زمینیان

الْأَرْضِ الْأَيَّانَ اللَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۷ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ

آمرزش می‌خواهند، آگاه باشی: این خداست که بسیار آمرزنده و مهربان است، ۷. کسانی که سرپرستانی به جای

دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۸

خدا انتخاب کرده‌اند، خداوند مراقب (اعمال) آنان است، و تو عهده‌دار (سعادت) آنان (در آخرت) نیستی، ۸

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا

مانند این (وحی که این آیات به واسطه‌ی آن بر تو نازل می‌شود)، سخنانی (که بر تو) خوانده شده و عربی (و فصیح است) را، بر تو وحی کردیم تا (اهالی) مکه و

وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي

کسانی را که پیرامونش هستند، هشدار دهی، و (به‌خصوص، مردم را) از روز جمع شدن (در پیشگاه خدا) که هیچ شک در آن نیست، هشدار دهی، (آن روز)

السَّعِيرِ ۹ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ

گروهی در بهشت، و جمعی در آتش شعله‌ورند، ۹. اگر خدا می‌خواست، حتماً مردم را یک گروه (و بر یک دین) قرار می‌داد؛

مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۱۰

ولی هر کسی را که بخواهد، در رحمتش وارد می‌کند، و ستم‌کاران هیچ سرپرست و یابوری ندارند، ۱۰

أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ

آیا به جای او، سرپرستانی برگزیده‌اند؟ در حالی که سرپرست حقیقی، تنها خداست، و او مردگان را زنده می‌کند،

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۱۱ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ

و او بر هر کاری تواناست، ۱۱. در مورد هر چیزی که اختلاف پیدا کنید، قضاوت (در براهی) آن، با خداست.

إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۱۲

این است «اللَّهُ»؛ مالک و صاحب اختیار من، تنها بر او توکل می‌کنم و فقط به پیشگاه او باز می‌گردم، ۱۲

۷. پاسخ به دو سؤال: ۱- در این آیه می‌خوانیم که قرآن به زبان عربی نازل شده است. آیا مخاطبان قرآن فقط عرب‌زبان‌ها هستند؟ اگر چنین نیست، چرا بر خواندن قرآن به عربی تأکید شده است؟ در پاسخ این سؤال باید به این نکته توجه کنیم که پیامبر اسلام ﷺ در سرزمین حجاز و در میان اعراب مبعوث شد و نخستین مخاطبان او، مردم عرب‌زبان بودند. از این رو کاملاً طبیعی بود که آن حضرت به زبان عربی صحبت کند و قرآن نیز به این زبان نازل شود؛ زیرا در غیر این صورت، هیچ یک از اطرافیان او، از محتوای دعوتش آگاه نمی‌شد و به او ایمان نمی‌آورد، و نخستین گام رسالت آن حضرت، با شکست مواجه می‌شد. ولی بی‌شک دعوت آن پیامبر الهی، دعوتی جهانی بوده و هست، و قرآن نیز کتابی برای هدایت همه‌ی انسان‌هاست. از این رو آیات قرآن و آموزه‌های دین، به زبان‌های گوناگون ترجمه شده و خواهد شد تا همه‌ی مردم جهان از آن مطلع شوند. البته چون تک‌تک کلمات قرآن مستقیماً از سوی خدا نازل شده و سخن آفریدگار هستی‌ست، قداست و احترام ویژه‌ای دارد و خواندن اصل آن - که به زبان عربی‌ست - تأثیر خاصی بر نورانیت دل و جان انسان دارد؛ همچنین قرائت متن قرآن توسط اُمت اسلامی، باعث ماندگار شدن آن در طول قرن‌ها شده و خواهد شد.

به هر حال لازم است تمام مسلمانان و دیگر مردم جهان، با استفاده از ترجمه‌های خوب قرآن، از محتوای آن آگاه شوند. ۲- بر اساس این آیه، مأموریت پیامبر اسلام ﷺ، دعوت ساکنان اُمّ القری (مکه) و مردم اطراف آن است؛ در حالی که می‌دانیم گستره‌ی دعوت پیامبر ﷺ همه‌ی مردم جهان بوده است. مفسران قرآن در بیان این ابهام نیز گفته‌اند که واژه‌ی «اُمّ» به معنای «اصل و اساس و پایه و آغاز» هر چیز است و بدین علت به مادر «اُمّ» گفته می‌شود که وجود انسان از او سرچشمه می‌گیرد. علت این‌که به سرزمین مکه، اُمّ القری گفته شده نیز این است که بر اساس روایات، زمانی که تمام کره‌ی زمین در زیر آب قرار داشته، نخستین جایی که از زیر آب سر برآورده، سرزمین مکه بوده، و پس از آن، سایر خشکی‌های زمین از آب بیرون آمده، و از این رو مکه، اُمّ القری (آغاز و ابتدای شهرها و آبادی‌های زمین) نام گرفته است. به همین سبب، این آیه می‌فرماید که پیامبر ﷺ وظیفه دارد در ابتدا مردم مکه را - که نخستین مخاطبان دعوت پیامبر ﷺ و نزدیک‌ترین افراد به آن حضرت بودند - دعوت کند، و پس از آنان، سایر افراد زمین را که در گرداگرد مکه قرار داشتند، به دین اسلام فراخواند.

فَاطِرُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا

(او) پدیدآورنده‌ی آسمان‌ها و زمین است. از نوع خودتان برایتان همسرانی آفرید و از نوع چهارپایان (نیز برایشان)

وَ مِنَ الْاَنْعَامِ اَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

جفت‌هایی (خلق کرد، و) بدین ترتیب (تعداد) شما را زیاد می‌کند. هیچ چیزی مانند او نیست، و اوست

وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۱۱﴾ لَهُ مَقَالِدُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ

که بسیار شنوا و بیناست. ۱۱ کلیدهای (کنجینه‌های) آسمان‌ها و زمین، تنها به دست اوست. برای هر کس

يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ اِنَّهٗ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۱۲﴾

که بخواهد، رزق و روزی را گسترش می‌دهد و (یا آن را) تنگ می‌کند. او از همه چیز به‌خوبی آگاه است. ۱۲

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي اَوْحَيْنَا

برای شما، سخنانی را که به نوح سفارش کرده بود و (نیز) آنچه بر تو وحی کردیم و آنچه به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش

اِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ اِبْرٰهِيْمَ وَ مُوسٰى وَ عِيسٰى اَنْ اَقِيْمُوا

کردیم، یعنی دین (آسمانی)، را آشکار کرد: (این) که حق این دین را به‌طور کامل ادا کنید و در مورد (ایمان و عمل به) آن، با

الدِّينِ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِيْنَ مَا تَدْعُوهُمْ اِلَيْهِ

یکدیگر اختلاف نکند و گروه گروه نشوید. آنچه که مشرکان را به آن دعوت می‌کنی، بر آنان بس سنگین است. خداوند،

اَللّٰهُ يَجْتَبِيْ اِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِيْ اِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ﴿۱۳﴾

هر کسی را که بخواهد، به دین خود جلب می‌کند، و هر کسی را که (به پیشگاه او) باز گردد، به سوی آن هدایت می‌کند. ۱۳

وَ مَا تَفَرَّقُوا اِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ

مردم، تنها پس از به دست آوردن علم و آگاه شدن (از حقیقت)، به سبب ستم و حسادت که بینشان بوده، (در بزه دین) دچار اختلاف شدند، و

وَ لَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ اِلَىٰ اَجَلٍ مُّسَمًّى لَفُضِّى بَيْنَهُمْ

اگر نبود این سخن که پیشتر از سوی پروردگارت (در مورد تأخیر عذاب) صادر شده که (این تأخیر) تا زمانی معین ادامه دارد و در آن زمان، عذاب

وَ اِنَّ الَّذِيْنَ اُوْرثُوا الْكِتٰبَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ

نازل می‌شود، قطعاً میان‌شان داوری می‌شد، و بی‌شک کسانی که پس از آنان، وارث کتاب آسمانی شدند، مورد آن شک و تردیدی بسیار زیاد

﴿۱۴﴾ فَلِذٰلِكَ فَاذَعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا اَمَرْتُ وَ لَا تَتَّبِعْ اَهْوَاءَهُمْ

دورند. ۱۴ پس (مردم را) به این (دین الهی) فراخوان و همان‌طور که مأمور شده‌ای، (در این راه) راست و بدون انحراف باش و از هوا و هوس آنان

وَ قُلْ ءَاْمَنْتُ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنْ كِتٰبٍ وَ اَمَرْتُ لِاعْدِلَ

پیروی مکن و بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده، ایمان آوردم و (به این دستور) مأمور شده‌ام که (در ابلاغ دین) یکسان با شما برخورد کنم. «اللَّهُ، مالک و

بَيْنَكُمْ اَللّٰهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا اَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ اَعْمَالُكُمْ

صاحب اختیار ما و مالک و صاحب اختیار شماست. اعمال ما فقط برای خودمان است، و اعمال شما فقط برای خودتان. (پس از روشن شدن حق، دیگر) هیچ بحث و

لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اَللّٰهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ اِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿۱۵﴾

جدلی میان ما و شما وجود ندارد، خداوند، ما و شما را (در قیامت) در کنار هم قرار می‌دهد (و میان ما داوری خواهد کرد)، و بلاشک (همه‌ی ما) تنها به سوی اوست. ۱۵

سج

۱۳. چون که صد آید، نود هم پیش ماست: شاید ترکیب «ادیان آسمانی» را زیاد شنیده باشید و البته معنای آن را نیز به خوبی می‌دانید؛ آیین‌هایی که از سوی خدا به پیامبران اولوالعزم نازل شده و آنان به مردم رسانده‌اند؛ ادیانی مانند مسیحیت، یهودیت و اسلام. بهتر است بدانیم که در قرآن، واژه‌ای به نام «ادیان» وجود ندارد و تمام آیین‌های آسمانی با عنوان «دین» معرفی شده‌اند و همه‌ی آن‌ها تنها یک نام دارند: «اسلام». آری، از نظر قرآن، دین نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم و پیروان حقیقی‌شان، یک حقیقت بوده و هست، و آن «اسلام» و تسلیم شدن در برابر دستورهای خدا» است؛ چنان‌که در آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی آل‌عمران می‌خوانیم: «دین نزد خدا اسلام است.» آیات ۸۴ و ۸۵ همان سوره به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «بگو به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و پیامبران از نسل یعقوب نازل شده و آنچه بر موسی، عیسی و پیامبران [دیگر] از جانب پروردگارش داده شده، ایمان آوردیم و میان هیچ یک از آنان فرق نمی‌گذاریم و همگی تسلیم فرمان خدا هستیم. هر کس دینی جز اسلام [و تسلیم شدن در برابر خدا] انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیان‌کاران خواهد بود.»

آیه‌ی مورد بحث (۱۳ شوری) نیز همین مطلب را بیان می‌کند و به این نکته اشاره می‌کند که آنچه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وحی شده، مجموعه‌ای از توصیه‌های خدا به حضرت نوح علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام و مطالبی فراتر از آن است که تنها بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم وحی شده است. از این آیه می‌توان نتیجه گرفت که دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، عصاره‌ی دعوت پیامبران گذشته و کامل‌ترین آیین آسمانی محسوب می‌شود. البته می‌دانیم که دعوت هر یک از پیامبران اولوالعزم، با دعوت پیامبر قبلی تفاوت‌هایی داشته که هم به درک و فهم مخاطبان هر دوره و هم به اوضاع جدید و تغییرات آن‌ها مربوط بوده است. البته این تفاوت‌ها در احکام و دستورهای عملی بوده، و در اصول دین و اعتقادات اصلی مانند توحید، نبوت و معاد هیچ اختلافی در میان دعوت پیامبران وجود نداشته و ندارد. از این رو ما مسلمانان معتقدیم که پیروان حقیقی پیامبران گذشته، پیروان آخرین پیامبر خدا هستند، و کسانی که راه خود را از یک یا برخی از پیامبران خدا جدا می‌دانند، در واقع پیرو هیچ‌یک از آنان نیستند. همچنین از این آیه و آیات مشابه آن فهمیده می‌شود که بازگشت از اسلام به یکی از آیین‌های آسمانی دیگر - مانند یهودیت و مسیحیت - هیچ توجیه منطقی ندارد و درست مانند این است که شخصی که در مقطع دبیرستان تحصیل می‌کند، به مقطع راهنمایی یا دبستان باز گردد!

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ

کسانی که پس از پاسخ (مثبت مردم) به (دعوت) خداوند، در مورد (توحید و ربوبیت) او بحث و جدل می کنند، استدلال شان داخضه عند ربهم وعلیهم غضب ولهم عذاب شدید  
نزد پروردگارش باطل (و بی اساس) است، و خشمی (شدید از خدا) بر آنان است، و عذابی سخت خواهند داشت.

۱۶ اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ

۱۶ «الله»، کسی است که کتاب (آسمانی) را در حالی که سراسر حق است، نازل کرد و (نیز) وسیلهی سنجش (حق و باطل) را (نازل) لعل الساعة قریب ۱۷ يستعجل بها الذين لا يؤمنون  
فرمود). و تو چه می دانی؟! شاید قیامت نزدیک باشد. ۱۷ کسانی که به آن ایمان ندارند، می خواهند که در آمدنش

بها والذين ءامنوا مشفقون منها و يعلمون انّها الحق  
شتاب شود، و کسانی که ایمان دارند، از آن بیمناک اند و می دانند که آن حق است. آگاه باشید:

الآن الذين يمارون في الساعة لفي ضلال بعيد ۱۸

کسانی که در مورد قیامت مجادله می کنند، در گمراهی دور و درازی به سر می برند. ۱۸  
الله لطيف بعباده يرزق من يشاء وهو القوي العزيز  
خداوند به بندگانش لطف و محبت دارد. به هر کس که بخواهد، روزی می دهد، و فقط او نیرومند و شکست ناپذیر است.

۱۹ مَنْ كَانَتْ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ

۱۹ کسی که (با تلاش خود در مزرعهی دنیا) محصول آخرت را بخواهد، (به آن می رسد، و ما نیز به طرز چشمگیری) در  
كَانَتْ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ  
محصول او خواهیم افزود، و کسی که محصول دنیا را بخواهد، (کم یا زیاد)، از آن به او می دهیم، و در آخرت، هیچ بهره ای

نصيب ۲۰ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ

نخواهد داشت. ۲۰ آیا آنان (به خیال خود) شریکانی (برای خدا) دارند که از دین (الهی) چیزهایی را برایشان توضیح  
مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ  
می دهند که خدا (هم) اجازه ی آن را نمی دهد؟! اگر سخنی (قطعی) خداوند در مورد تأخیر (داوری تا روز قیامت در میان) نبود،

وَأَنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۲۱ تَرَى الظَّالِمِينَ

قطعا بین آنان قضاوت می شد. (آری، ستم کلان، عذابی دردناک خواهند داشت. ۲۱ ستم کلان را خواهی دید که از آنچه کرده اند،  
مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ  
بیمناک اند؛ حال آن که آن (دستاورد شوم)، بر آنان فرود خواهد آمد، و کسانی که ایمان آوردند و کزهای شایسته کردند، در (بهترین)

ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ

جاهای بهشت، یعنی) زمین های سرسبز و خرم و باغ های پر درخت (آن) قرار دارند، و در حالی که در پیشگاه (لطف خاص) مالک و

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ۲۲

صاحب اختیار خود هستند، آنچه را که بخواهند، در اختیار خواهند گرفت. این، همان لطف و عنایت بزرگ (و ویژه ی خداوند) است. ۲۲

۲۰. مزرعه‌ی دنیایی؛ مزرعه‌ی آخرتی: دو کشتزار، دو کشاورز و دو انگیزه‌ی متفاوت را در نظر بگیرید. هر دو کشاورز می‌دانند که فرصت کوتاهی برای کاشت دارند و با فرا رسیدن فصل برداشت و ظاهر شدن نشانه‌های سرمای پاییز و زمستان، فرصتشان به پایان می‌رسد و در فصل طولانی سرما، چیزی جز مژه‌ی کشت خود در اختیار نخواهند داشت. یکی از این دو کشاورز، با جدیت کار می‌کند و تمام تلاش خود را برای داشتن زندگی راحت در فصل سرما به کار می‌بندد، و البته در کنار این هدف بلندمدت، در گوشه‌ای از زمین خود سبزی و میوه و حتی گل‌های زیبا هم می‌کارد تا از زمان خود بهره‌ی افزون‌تری برد و زندگی‌اش را با نشاط بیشتری بگذرانند. کشاورز دیگر اما فصل سرما را به کلی فراموش کرده و غافل از هدف اصلی خود، همه‌ی وقتش را به پرورش گل‌های رنگارنگ و میوه‌های خوشمزه اختصاص داده و بدون توجه به آینده و فصل سرما، هر چه به دست می‌آورد، برای رفاه و آسایش حال حاضر خود صرف می‌کند. شاید نیازی به توضیح فرجام هر یک از این دو کشاورز وجود نداشته باشد.

خداوند در این آیه، انسان‌ها را به کشاورزان، عمرشان را به زمین‌های کشاورزی، و اعمالشان را به بذرهایی که در زمین‌هایشان می‌پاشند، تشبیه کرده و فرموده است که مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه یکم، کسانی هستند که تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا زندگی ابدی خود در جهان آخرت را آباد کنند. آنان با نیت‌های پاک خود، اعمال صالح را در سرزمین عمر خود می‌کارند تا در قیامت که تنها عمل صالح به فریاد انسان می‌رسد، آن را برداشت کنند و با خیال آسوده، زندگی ابدی خود را آغاز نمایند. البته این بدان معنا نیست که این افراد از زندگی مادی خود غافل هستند؛ بلکه در کنار عبادت‌ها و کارهای نیک، به امور دنیایی خویش نیز رسیدگی می‌کنند، و بر اساس آموزه‌های دین، زندگی دنیایی آنان نیز نوعی عبادت و کار نیک محسوب می‌شود؛ چرا که هدف آنان از غذا خوردن، خوابیدن، ازدواج و ...، داشتن نشاط و سلامت برای تلاش در جهت هدف اصلی زندگی است. گروه دوم اما کسانی هستند که هدف زندگی را به کلی فراموش کرده و به جای کشت مناسب در سرزمین حاصل‌خیز عمر، آن را از گیاهان پر زرق و برق و زودگذر پر کرده‌اند که با کوچک‌ترین حادثه، از بین می‌روند و فقط تا پایان فصل گرما زنده خواهند بود. آری، دنیاپرستان که تمام همت خود را صرف اندوختن مال و ثروت، به دست آوردن مقام و شهرت، و برآوردن میل و شهوت خود کرده‌اند، با پایان دوران طلایی عمر و فرا رسیدن فصل خزان و مرگ، دنیا را دست خالی ترک می‌کنند و در جهان بی‌پایان آخرت، فقیر و بینوا خواهند ماند. پیشوای پرهیزکاران و امیر مؤمنان علی علیه السلام چه زیبا فرموده است: «ای بندگان خدا، بدانید که پرهیزکاران، هم از نعمت‌های زودگذر دنیا استفاده کردند و هم از نعمت‌های ماندنی آخرت که در زمان معینش خواهد آمد؛ بدین‌صورت که آنان در دنیای دنیا داران شریک شدند؛ ولی دنیا داران در آخرت آنان شریک نشدند. ایشان به بهترین شکل در دنیا ساکن شدند و به بهترین شکل از خوردنی‌هایش خوردند... و پس از آن، با توشه‌ای که آنان را به مقصد می‌رساند و سود خوبی که از تجارتشان در دنیا به دست می‌آورند، به آخرت پا می‌نهند.»



ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ط

این است آنچه خداوند به بندگانش (خاص) خود بشارت داده است: هم آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند. بگو: جز قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ط وَمَنْ يَقْتَرِفْ عشق و علاقی (ثابت و پایداری) در مورد خاندانم، هیچ پاداشی برای رسالتم از شما نمی خواهم. و هر کس نیکی و حسنه ای به دست

حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ آم يَقُولُونَ

آورد، نیکی و حسنه ای (چندین برابر) در آن می افزایم؛ زیرا خداوند بسیار آمرزنده و قدرشناس است. ۲۳. آیا می گویند: «(پیامبر) به اَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يُخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ ط وَيَمُحُ اللَّهُ خدا دروغ بسته است؟» (هرگز چنین نیست)؛ زیرا اگر خدا بخواهد، بر قلب تو مهر می نهد (و تو آن دریافت وحی را از تو می گیرد).

الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٤﴾

و خداوند باطل را محو می کند و با سخنانش، حق را ثابت و پایدار می کند. خداوند، (لرزان) درون سینه ها را به خوبی می داند. ۲۴. وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ او، کسی است که از بندگانش توبه می پذیرد و بدی ها را می بخشد و از

مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

کارهایتان آگاه است. ۲۵. و (دعای) کسانی را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، اجابت و رَزِيْدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ ط وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾

می کند و از فضل و عنایت خویش بر آنان می افزاید، و کافران، عذابی سخت خواهند داشت. ۲۶. اِگر وَكَوَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغْوًا فِي الْاَرْضِ وَلَٰكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدْرِ خداوند، رزق و روزی را برای بندگانش گسترش می داد، بی شک در زمین سرکشی و ستم کاری می کردند؛ ولی به آن مقدار که

مَا يَشَاءُ اِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيْرٌ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ

بخواهد (و صلاح بداند، از خزانه ی غیب خویش) فرو می فرستد؛ زیرا او به (حال) بندگانش آگاه و بیناست. ۲۷. او، کسی است که پس از یأس و نومیذی (مردم)، باران را فرو می فرستد و رحمتش را (بر همگان) می گستراند، و فقط او سرپرست (همگان) و شایسته ی ستایش است. ۲۸.

وَمِنْ ءَايَاتِهِ خَلْقُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ

از نشانه های (علم و قدرت) او، آفرینش آسمان ها و زمین و جنبندگان است که در آن دو پراکنده کرده است، وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ اِذَا يَشَاءُ قَدِيْرٌ ﴿٢٩﴾ وَمَا اَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيْبَةٍ و او هر گاه که اراده کند، بر گردآوری آن ها تواناست. ۲۹. هر مصیبتی به شما برسد، به سبب کارهای است که

فِيْمَا كَسَبْتُمْ اَيْدِيْكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيْرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَا اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ

کرده اید و (الهیته) بسیاری (از بدی هایتان) را (نیز) می بخشد. ۳۰. شما نمی توانید در زمین فِي الْاَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَلَا نَصِيْرٍ ﴿٣١﴾

(از دست خدا) بگریزید، و غیر از خداوند، هیچ سرپرست و یابوری ندارید. ۳۱.

۲۳

۳۰. از ماست که بر ماست: زندگی مانند لیوانی است که نیمی از آن پر و نیم دیگرش خالی است. نعمت‌ها، خوشی‌ها و کام‌روایی‌ها، نیمه‌ی پر زندگی، و سختی‌ها، بلایا و مصایب، نیمه‌ی خالی زندگی است؛ زندگی در حقیقت مجموعه‌ای از خوشی‌ها و سختی‌هاست. و هر یک از این دو وضعیت متضاد، علل متفاوتی دارد. قرآن کریم و پیشوایان دین علیهم‌السلام، بارها به این موضوع اشاره کرده و علل ایجاد زمینه‌ها و حوادث خوب یا بد در زندگی را بررسی کرده‌اند. این آیه نیز با توجه به همین مطلب می‌فرماید که بخش عمده‌ای از مشکلات مردم، نتیجه‌ی گناهان و رفتار نادرست آنان در زندگی است ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ﴾. البته ارتباط گناهان و مشکلات در برخی از موارد روشن است. برای مثال، ارتباط دروغ، خیانت و عهدشکنی با انزوا، فقر و مشکلات اجتماعی و اقتصادی پیچیده نیست؛ زیرا این گناهان باعث رفتن آبروی انسان نزد مردم و بی‌اعتماد شدن آن‌ها به او می‌شود و موقعیت اجتماعی او را متزلزل می‌کند. البته آموزه‌های دین به ما هشدار می‌دهد که نه تنها این نوع گناهان، که هر نوع نافرمانی و گناهی در سعادت و خوشبختی انسان در دنیا و آخرت اثر منفی می‌گذارد و مشکلاتی را در همین زندگی برای او فراهم می‌کند؛ هرچند در ظاهر ارتباط آن برای ما روشن نباشد.

در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم: «از بدی‌ها پرهیزید تا عمرهایتان طولانی شود.» همچنین از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است: «گناه، انسان را از رزق و روزی محروم می‌کند.» در روایتی از امام باقر علیه‌السلام نیز می‌خوانیم: «گاهی می‌شود که یک نفر از خدا حاجتی را می‌طلبد، و خواست خدا این است که آن را به زودی برآورد یا تا مدتی به تأخیر اندازد و پس از آن اجابت کند؛ ولی آن شخص مرتکب گناهی می‌شود و در نتیجه‌ی آن گناه، خدا به فرشته [ای که مأمور برآوردن حاجت او بوده،] می‌فرماید: حاجتش را برنیور؛ زیرا او خود را در معرض خشم من قرار داده و از طرف من سزاوار محرومیت شده است.» بر اساس این آیه (۳۰ شوری)، خدا از روی مهربانی، بسیاری از گناهان را می‌بخشد و از تأثیر دادن آن‌ها در زندگی مردم خودداری می‌کند «وَيَعْفَا عَن كَثِيرٍ». البته باید توجه داشته باشیم که منشأ همه‌ی مشکلات، گناه نیست؛ بلکه گاهی خدا برای بالا بردن مقام انسان‌های بزرگ مانند پیامبران و امامان، و گاهی برای امتحان و سنجش مقدار صبر و تحمل افراد باایمان، آنان را به مشکلاتی دچار می‌کند. برخی از اوقات نیز مردم در نتیجه‌ی اسباب و علل طبیعی یا ظلم و ستم دیگران دچار مشکلاتی می‌شوند. در این صورت، بر اساس قانون عدل خدا، در این جهان یا جهان آخرت، به جای آن پاداشی دریافت می‌کنند که جایگزین آن سختی‌ها خواهد شد. برای مثال، در روایات آمده است که مسلمانان فقیر و نیازمند، در ازای سختی‌هایی که در دنیا دیده‌اند، در جهان آخرت به آسانی محاسبه می‌شوند و به راحت وارد بهشت خواهند شد.

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٣٢﴾

از آیات و نشانه‌های او، کشتی‌هایی است که همچون کوه‌های غول‌پیکر در دریا (روان) هستند. ۳۲ اگر (غدا) بخواهد، باد را ساکن می‌کند. در نتیجه،

فَيُظِلُّنَ رُؤَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

آن کشتی‌ها روی دریا ساکن و بی‌حرکت می‌شوند. به‌راستی در این (پدیده)، نشانه‌هایی (بزرگ) وجود دارد برای کسی که بسیار شکیباً و شکرگزار باشد؛

﴿٣٣﴾ أَوْ يُوقِعُهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ

یا (اگر بخواهد) به سزای اعمالی که بشرنیتان آن کشتی‌ها کرده‌اند، آن (کشتی)‌ها را نابود می‌سازد و (البته) بسیاری (از گناهان آن‌ها) را می‌بخشد. ۳۳

يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ ﴿٣٥﴾ فَمَا أوتَيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعٌ

(تا آن‌ها را به کفر اعمالشان برساند) ۳۴ و (بزرگ) کسانی که در پاره‌ی آیات و نشانه‌های ما بحث و جدل می‌کنند، بدانند که هیچ راهی برای فرار (از چنگال

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ

قدرت ما) ندارد. ۳۵ پس هر آنچه به شما داده شده، کالای زندگی دنیاست، و آنچه نزد خداست، برای کسانی که ایمان آورده‌اند و تنها پروردگارشان توکل

يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبْرًا لِّاسْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا

می‌کنند، بهتر و ماندگارتر است؛ ۳۶ کسانی که از گناهان بزرگ و کل‌های زشت دوری می‌کنند، و هنگامی که غمگین

غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

می‌شوند، گذشت می‌کنند؛ ۳۷ و کسانی که به (دعوت) پروردگارشان پاسخ (مثبت) دادند و نماز را کامل و بی‌نقص به جا

وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ إِذَا

آوردند و تصمیماتشان بر اساس مشورت یا یکدیگر است و از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند؛ ۳۸ و کسانی که هر گاه مورد ستم

أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٣٩﴾ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ

و تجاوز قرار گیرند، (سکوت نمی‌کنند و مطابق با قوانین الهی)، حق خود را می‌ستانند. ۳۹ و جزای هر بدی، عقوبتی مانند خود آن است؛ پس هر کس

عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَلَمَنْ

(از حق خود) بگذرد و (بین خود و خدایش را) اصلاح کند، پاداشش با خدا خواهد بود. خداوند، ستم‌گران را دوست ندارد. ۴۰ و البته کسانی

انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤١﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ

که پس از ستم دیدن، حق خود را بگیرند، هیچ راهی برای (ملامت و مؤاخذه‌ی) آنان وجود ندارد. ۴۱ راه (مجازات و کفر)،

عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ أُولَٰئِكَ

تنها بر کسانی باز است که به مردم ستم می‌کنند و بدون آن‌که حق داشته باشند، در زمین ظلم و تجاوز می‌کنند.

لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ

آنان، عذاب دردناک خواهند داشت. ۴۲ البته کسی که صبر و گذشت کند (، دارای اراده‌ای بسیار قویست؛ زیرا) این (صبر و گذشت)، از گناهایی است

الْأُمُورِ ﴿٤٣﴾ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَّلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَتَرَى

که برای آن، (اراده‌ی قطعی لازم است. ۴۳ هر کس که خدا او را گمراه کند، پس از آن (گمراهی) خداوند (دیگر) هیچ سرپرستی ندارد،

الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٤﴾

و هنگامی که ستم‌گران عذاب را ببینند، ایشان را خواهی دید که می‌گویند: «آیا هیچ راهی برای بازگشت (به دنیا) وجود ندارد؟» ۴۴

۳۸. مشورت؛ بهره‌گیری از اندیشه‌های دیگران: در اسلام، موضوع «مشورت» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با این‌که به وسیله‌ی وحی از عالم غیب خبر داشت و دارای فکری بسیار نیرومند بود و نیازی به مشورت نداشت، برای متوجه کردن مسلمانان به اهمیت مشورت، پیوسته در مسائل گوناگون با آنان مشورت می‌کرد و در امور عمومی مسلمانان - که جنبه‌ی اجرای قوانین الهی نداشت - به ایشان اجازه می‌داد که نظریات خود را طرح کنند و گاهی نیز نظر آنان را بر نظر خود ترجیح می‌داد؛ تا آنجا که می‌توان گفت یکی از عوامل موفقیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پیشبرد اهداف اسلامی، همین موضوع بوده است. افرادی که کارهای خود را با مشورت و صلاح‌اندیشی انجام می‌دهند، اصولاً کمتر دچار لغزش می‌شوند. به‌عکس، افرادی که خود را از افکار دیگران بی‌نیاز می‌دانند - هر قدر هم از نظر فکری قوی باشند - غالباً گرفتار اشتباهاتی دردناک و خطرناک می‌شوند. پیشوایان دین ما نیز در پیروی از قرآن، تأکید فراوانی بر مشورت و پرهیز از خودرأیی کرده‌اند.

در حدیثی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم: «هیچ‌کس با مشورت، بدبخت، و با خودرأیی، خوشبخت نشد.» در حدیثی از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: «کسی که خودرأیی کند، هلاک می‌شود، و کسی که با افراد بزرگ و دانا مشورت کند، در عقل آنان شریک شده است.» البته روشن است که فرد طرف مشورت باید صلاحیت این مشارکت را داشته باشد. از این رو، روایات اسلامی، مسلمانان را از مشورت با افراد ترسو، بخیل و حریص نهی کرده، و به مشورت با افراد پرهیزکار، خردمند، خداترس، خیرخواه و راست‌گو فرا خوانده است. نکته‌ی آخر در این باره این‌که مشورت در مورد دستوره‌های خدا و احکام دین جایز نیست و مثلاً نمی‌توان برای انتخاب پیامبر و جانشین او مشورت کرد؛ زیرا پیامبر و خلیفه‌ی وی را خدا تعیین می‌کند.

وَتَرْكُهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعَاتٍ مِنَ الذَّلِيلِ يَنْظُرُونَ

و آنان را می بینند، در حالی که از روی خفت و خواری، سر به زیر افکنده اند، سر به آتش عرضه خواهند شد، و در آن حال، از

مِنْ طَرَفِ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ

گوشه ی چشم، پنهانی (به آن عذاب هولناک) نگاه می کنند، و اهل ایمان می گویند: پوزیان کران حقیقی، کسانی هستند

خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ

که در روز قیامت، (سرماهی) وجود خویش و خانواده ی (بهشتی) خود را از دست داده اند. آگاه باشید که ستم کران در

فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ ﴿٤٥﴾ وَمَا كَانَتْ لَهُمْ مِنْ ءَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ

عذابی پایدار خواهند ماند. ۴۵ غیر از خدا، هیچ سرپرست و یآوری ندارند که آنان را یاری کند، و هر کس

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٦﴾ اسْتَجِيبُوا

را خداوند گمراه کند، هیچ راهی برای (هدایت و سعادت) او وجود ندارد ۴۶ پیش از آن که روزی فرارسد که

لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ

از سوی خدا هیچ بازگشتی برای آن مقرّر نشده، به (دعوت) پروردگارتان پاسخ (مثبت) دهید. در آن روز، جز پناه

مِنْ مَلَجًا يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ ﴿٤٧﴾ فَإِنْ أَعْرَضُوا

(خدا)، هیچ پناهگاهی ندارید و به هیچ وجه نمی توانید (عذاب الهی را) تغییر دهید. ۴۷ پس اگر (به دعوت الهی) پشت

فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِلَّا عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلْغُ وَإِنَّا إِذَا

کردند (غمگین مشو؛ زیرا) ما تو را مسئول و مراقب (اعمال و رفتار) آنان نفرستادیم. وظیفه ی تو فقط رساندن (پیام خدا) است.

أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ

هنگامی که ما رحمتی (لذتک) از جانب خود به انسان ها می چشانیم، از آن سرمست می شوند، و اگر به سبب دستاورد گذشته شان، رنج و

بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ ﴿٤٨﴾ لِلَّهِ مُلْكُ

نوااحتی (کوچکی) به آنان رسد، (نعمات بی شمار الهی را فراموش می کنند؛ زیرا انسان بسیار ناپاس است. ۴۸ فرمانروایی آسمان ها

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا

و زمین، تنها برای خداست. آنچه بخواهد، می آفریند. به هر کس که بخواهد، دختر می بخشد، و به هر کس

وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا

که بخواهد، پسر عطا می کند؛ ۴۹ یا این که به برخی از مردم، هم پسر و هم دختر می دهد، و هر کس

وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾ وَمَا كَانَ

را که بخواهد، عقیم می کند. او بسیار دانا و تواناست. ۵۰ برای هیچ بشری ممکن نیست که

لِبَشَرَاتٍ يُكَلِّمُهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ أَوْ

خدا با او سخن بگوید؛ مگر این که (مستقیماً به او) وحی کند، یا این که (به واسطه و) از پس حجابی باشد، یا فرستاده ای

يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآذُنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ ﴿٥١﴾

می فرستد. پس (آن فرستاده)، آنچه را که (خدا) می خواهد، با اجزای او وحی می کند. خداوند، بلندمرتبه و حکیم است. ۵۱.

۴۹. دو هدیهی خداوند: خدا در این آیه، یکی از نشانه‌های خود در جهان آفرینش را خلقت دختر و پسر خوانده است. نکته‌ی جالب توجه این‌که خدا، دادن پسر یا دختر به یک زوج را با لفظ «بخشیدن» (يَهَبُ) آورده و فرزند دختر یا پسر را هدیه‌ی خود به یک زن و شوهر معرفی کرده است. به‌کارگیری این تعبیر از سوی خدا نشان می‌دهد که او به فرزندان شدن انسان‌ها توجه خاصی دارد و برای پسران و دختران معصوم آن‌ها، ارزش ویژه‌ای قائل است. این حقیقت که در این آیه به طور سربسته به آن اشاره شده، در روایات معصومین علیهم‌السلام - که مفسران حقیقی قرآن هستند - به طور مفصل بیان شده است. چنان‌که در برخی از کتاب‌های حدیثی معروف، فصلی جداگانه به عنوان «ارزش فرزندان و پاداش رشد و تربیت آنان» مطرح شده است. به عنوان نمونه در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم: «خداوند به سبب شدت علاقه‌ی یک نفر به فرزندش، به او رحم می‌کند.»

در روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «فرزندانتان را بسیار ببوسید؛ زیرا با هر بوسه‌ای، درجه‌ای در بهشت خواهید داشت که بین هر درجه، پانصد سال راه است.» در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم: «[پاداش] نیکی انسان به فرزندش، مانند [پاداش] نیکی او به پدر و مادرش است.» البته پیشوایان دین در کنار بیان این رموز تأکید کرده‌اند که پدران و مادران باید علاوه بر رشد و مراقبت از جسم فرزندانشان، از روح آنان نیز مراقبت کنند و ایمانشان را هم پرورش دهند. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خوانیم: «فرزندانتان را گرامی بدارید و آنان را خوب ادب کنید تا خدایتان بیاموزد.» در روایتی از امیر مؤمنان علی علیه‌السلام آمده است: «حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکویی بر او بگذارد و او را به‌خوبی ادب کند و به او قرآن بیاموزد.» آری، در این صورت است که این هدیه‌های خوب خدا به گوهرهایی تبدیل می‌شوند که مایه‌ی افتخار انسان در زندگی و حتی پس از مرگ او خواهند شد. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «فرزند شایسته، گلی از گل‌های بهشت است.» از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است: «آنچه خدا از بنده‌ی مؤمنش به یادگار می‌گیرد، فرزند صالحی است که برای پدر و مادرش طلب آموزش می‌کند.» در روایتی زیبا می‌خوانیم: «کسی که بدون فرزند شایسته همیرد، گویی در میان مردم زندگی نکرده، و کسی که همیرد و فرزند شایسته‌ای از خود به جای گذارد، گویی نمرده است.»

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا

و همان گونه (که به پیامبران پیش از تو وحی فرستادیم) روحی (و الامقام) را که (هائین) از شئون (خاص) ماست، تود تو فرستادیم. تو (پیش از این وحی)

الكِتَابِ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ

نه از (محتوای دقیق) کتاب (خدا) خبر داشتی و نه می دانستی که ایمان داشتن (به اصول و فروع اسلام) چگونه است؛ ولی آن (روح) را نوری قرار دادیم

عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي

که هر کس از بندگان ما را که بخواهیم، با آن هدایت می کنیم، و قطعاً تو (مردم را) به راه راست هدایت می کنی؛ ۵۲: راه خداوند؛ همو که آنچه

لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ اِلَّا اِلَى اللّٰهِ تَصِيْرُ الْاُمُوْرُ ﴿٥٣﴾

در آسمانها و آنچه در زمین است، فقط برای اوست. آگاه باشید که همه ی امور، تنها نزد خداوند باز می گردد. ۵۳

آیاتها

## سُورَةُ الزُّحُوفِ

۸۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده ی مهربان

حَمَّ ﴿١﴾ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ اِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا

حما، مبین. ۱ سوگند به کتاب روشنگر. ۲ ما قرآن را سخنانی (که بر پیامبر) خوانده شده و عربی (و فصیح است)

لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٣﴾ وَاِنَّهٗ فِیْ اَمْرِ الْكِتَابِ لَدٰیْنَا

قرار دادیم؛ باشد که (آن را) بفهمید. ۳ و به راستی (حقیقت) آن، در لوح محفوظ که نزد ماست، و الامر تبه (و فراتر از فهم مردم) و

لَعَلِّیْ حَكِیْمٌ ﴿٤﴾ اَفَنْضِرُبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا

استوار و به هم پیوسته است؛ (نه بخش بخش). ۴ آیا به سبب این که شما افرادی هستید که از حد خود تجاوز می کنید و به جهت روی

اَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِیْنَ ﴿٥﴾ وَ كَمْ اَرْسَلْنَا مِنْ نَبِیِّ فِی

گرداندن از شما، این (کتاب سراسر) پند و یادآوری را از شما دور کنیم؟ ۵ چه بسیار پیامبرانی که در میان گذشتگان فرستادیم (و

الْاَوَّلِیْنَ ﴿٦﴾ وَمَا یَاْتِیْهِمْ مِنْ نَبِیٍّ اِلَّا كَانُوْا بِهٖ یَسْتَهْزِءُوْنَ

خطاکاری آنان، مانع راه نمایی ما نشد). ۶ (البته) هر پیامبری (نزدشان) آمد، فقط مسخره اش می کردند.

﴿٧﴾ فَاهْلَكْنَا اَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَّمَضٰی مَثَلُ الْاَوَّلِیْنَ

۷ پس ما کسانی را هلاک کردیم که از این (مشرکان لجوج) بسی نیرومندتر بودند، و وضعیت پیشینیان (در آیات فراوان) آمده است.

﴿٨﴾ وَلَیْنِ سَاَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَیَقُوْلُنَّ

۸ اگر از آنان بپرسی که آسمانها و زمین را چه کسی آفریده است، بی شک می گویند: «آن ها را (خدا)ی

خَلَقَهُنَّ الْعَزِیْزُ الْعَلِیْمُ ﴿٩﴾ الَّذِیْ جَعَلَ لَكُمْ الْاَرْضَ

شکست ناپذیر و دانا آفریده است.؛ ۹ همو که زمین را (همچون) بستری (نرم و راحت) قرار داد

مَهْدًا وَّ جَعَلَ لَكُمْ فِیْهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ ﴿١٠﴾

و برایتان راههایی در آن پدید آورد تا (به مقاصدان) راه یابید؛ ۱۰

۱. حروف مقطعه: قرآن کریم ۱۱۴ سوره دارد و ۲۹ سوره با حروف مقطعه آغاز می‌شود؛ مانند: ام، الم، المص، کهیصص، طسم، طه و یس. این حروف که مفهومی از ظاهر آن‌ها به ذهن نمی‌رسد، توجه هر خواننده‌ای را به خود جلب می‌کند. دانشمندان اسلامی و مفسران قرآن در باره‌ی معنا و مفهوم حروف مقطعه سخنان فراوانی گفته‌اند که با توجه به روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام، دو نظریه بیشتر جلب توجه می‌کند: ۱- حروف مقطعه، اسراری بین خدا و پیامبر اوست، و تنها خداوند، پیامبر و امامان از معنای آن‌ها آگاه هستند؛ که البته در صورت توضیح آن اسرار، دیگران نیز از آن باخبر می‌شوند؛ چنان‌که در برخی روایات، معنای بعضی از حروف مقطعه توضیح داده شده است. ۲- خدا با بیان حروف مقطعه چنین منظور داشته که این قرآن از همین حروفی فراهم آمده که همه‌ی مردم به آن دسترسی دارند (مانند الف، لام، میم و...)؛ ولی هرگز توانایی آوردن کتابی مانند قرآن را ندارند. این واقعیت، نشانگر این است که هرچند کلمات قرآن از حروف الفبا ساخته شده‌اند، گوینده‌ی آن، یک انسان نبوده است؛ بلکه آفریدگار انسان‌ها بوده که خالق این الفاظ و معانی‌ست. در برخی از روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام به این نکته تصریح شده است.

دلیل دیگری که می‌تواند درستی این نظریه را تأیید کند، این است که در اکثر مواردی که حروف مقطعه به کار رفته، بلافاصله سخن از قرآن و بزرگی آن به میان آمده است. این مطلب، مانند آن است که گفته شود منشأ جانداران روی زمین - که هر یک دنیایی از شگفتی و پیچیدگی هستند - خاک است؛ خاکی که در اختیار همه‌ی ماست؛ ولی ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم با آن، موجودات جاندار پدید آوریم، و بیشترین هنر ما این است که از خاک، ظروف سفالی و مجسمه‌های سنگی بسازیم. نکته‌ی جالب توجه این‌که این هنر الهی در زمان و مکانی بروز یافته که شاعران و سخنوران مگه و شهرهای مشهور حجاز، کسی را سخنورتر از خود نمی‌شناختند و خویششان را سرآمدان فصاحت و بلاغت فرض می‌کردند. در این وضعیت، کسی که هرگز درس نخوانده بود، سخنانی را از سوی خدا آورده و از همگان خواسته بود که اگر می‌توانند، مانند آن را بیاورند. باید توجه کنیم که میان این دو نظریه اختلافی وجود ندارد و جمع آن دو نیز ممکن است؛ بدین‌صورت که شاید هر یک از حروف مقطعه، به صورت خاص و جزئی، راز و رمزی میان خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشد، و به طور عام و کلی، نشانگر پدید آمدن قرآن از حروف الفبا باشد.



وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا

و همان کسی که از آسمان به اندازه‌ای (معین) آب فرود آورد، پس به وسیله‌ی آن، سرزمینی مرده را زنده کردیم. (شما نیز)

كَذَلِكَ نُخْرِجُكَ مِنَ الْجَحِيمِ ۱۱ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ

همین گونه (از گورها) خارج می‌شوید؛ ۱۱ و همان کسی که همه‌ی گونه‌ها (ی متنوع موجودات) را آفرید و برای شما

لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ۱۲ لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ

کشتی‌ها و چهارپایان را پدید آورد که بر آن‌ها سوار می‌شوید؛ ۱۲ تا بر پشت آن‌ها قرار گیرید. سپس هنگامی که بر آن‌ها قرار

ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ

گرفتید، نعمت پروردگرتان را به یاد آورید و بگویید: «پاک و منزّه است کسی که این‌ها را در جهت منافع (و کمال) ما، رام و مسخر کرد.

الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ۱۳ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا

و این در حالی‌ست که ما توان (رام و مسخر کردن) آن‌ها را نداشتیم؛ ۱۳ و قطعاً ما تنها نزد مالک و صاحب‌اختیار خویش

لَمُنْقَلِبُونَ ۱۴ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ

بلاخواهیم گشت.» ۱۴ (از یک سو، به خالق دانا و توانا اعتراف می‌کنند، و از سوی دیگر، از بندگانش خداوند برای خودش فرزندی مقرر

لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ۱۵ أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفًا كُمْ

می‌کنند، برآستی که انسان آشکارا ناپسای می‌کند. ۱۵ آیا (خدا) از آنچه آفریده، دخترانی را (برای خود) انتخاب کرده، و شما را به (داشتن) پسران اختصاص

بِالْبَنِينَ ۱۶ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا

داده است؛ ۱۶ هنگامی که یکی از آنان، به (دختر، یعنی) آنچه (که خود او داشته‌اش را) برای (خدای) رحمان توصیف کرده است، بغرّت داده می‌شود، (از فرط

ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ۱۷ أَوْ مَنْ يُنْشَأُ فِي

عصبانیت) چهره‌اش سیاه می‌شود، و این در حالی‌ست که خشم و اندوه، سرسراسر وجودش را فرا گرفته است؛ ولی دم نمی‌زند. ۱۷ (و از سر جهالت با خود می‌گوید)

الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ۱۸ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ

آیا (باید) کسی را (بزرگ کم) که در زر و زیور پرورش می‌یابد و در (هنگام) بحث و جدل می‌تواند آنچه را که در دل دارد، به روشنی بیان کند و دلایل قانع‌کننده

الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَّا شَاهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ

بپایه ۱۸۴۵ فرشتگان را که خود بندگانش (خدای) رحمان هستند، دختران (و) نامیده‌اند. آیا هنگام آفرینش آنان حضور داشته‌اند؟ این‌ها گواهی (بایجابی) آنان (در

شَهَادَتِهِمْ وَيَسْأَلُونَ ۱۹ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ

مورد دختر بودن فرشتگان) نوشته می‌شود و (در مورد آن) بپرسش خواهند شد. ۱۹ گفتند: «اگر (خدای) رحمان می‌خواست، بت‌ها را که در اعتقادشان هاد

مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ۲۰ أَمْ آتَيْنَاهُمْ

فرشتگان بودن، نمی‌پرسیدیم.» هیچ علم و دانشی در این مورد ندارند و فقط با حدس و تخمین سخن می‌گویند. ۲۰ آیا پیش از قرآن،

كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ۲۱ بَلْ قَالُوا

کتابی (آسمانی) به آنان داده‌ایم، و در نتیجه، آنان (برای اثبات ادعایشان) به آن استناد می‌کنند؟ ۲۱ (هیچ دلیلی ندارند؛)

إِنَّا وَجَدْنَاهُ آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ ۲۲

بلکه می‌گویند: «ما اجداد و نیاکانمان را بر راه و روشی یافتیم، و ما با دنباله‌روی از ایشان هدایت می‌یابیم.» ۲۲

۱۲ تا ۱۴. یاد خدا هنگام بهره‌گیری از نعمت‌ها: قرآن کریم، بارها انسان‌ها را به نعمت‌هایی که از آن بهره می‌برند، متوجه کرده تا حس شکرگزاری آنان را برانگیزد. این آیات، به یکی از نعمت‌های بزرگ خدا به انسان اشاره می‌کند. این نعمت، مرگبی‌ست که انسان با آن می‌تواند به نقاط دوردست سفر کند. در این آیات، به دو نمونه از مرکب‌ها که در آن زمان نزد مردم شناخته‌شده و مورد استفاده‌ی آنان بوده، اشاره شده است: کشتی‌ها و چهارپایان. نعمت مرکب راهوار البته امروزه به اشکالی بسیار پیشرفته‌تر، مطمئن‌تر و سریع‌تر در اختیار ما قرار دارد، و تنها اندیشه در ساختار کشتی‌ها و حرکت ده‌ها تن چوب یا آهن بر روی آب دریا، آدمی را جز به حیرت و شگفتی نمی‌رساند: این‌که چگونه این پدیده‌های غول‌پیکر، امواج متلاطم آب را می‌شکافند و صدها نفر یا ده‌ها تن کالا را از منطقه‌ای در زمین به منطقه‌ای دوردست می‌رسانند. همچنین نحوه‌ی آفرینش حیوانات بزرگ و نیرومندی مانند اسب و شتر و چگونگی رام شدن آن‌ها در برابر انسان، هر فرد خردمندی را در تعجب فرو می‌برد. قرآن اما پس از متوجه کردن انسان‌ها به این نعمت‌های پرسود و ارزشمند، آنان را یک گام به جلو می‌برد و متوجه خدای نعمت‌بخش می‌کند؛ خدایی که هم به انسان‌ها هوش و استعداد فوق‌العاده داده و هم در چوب و مواد دیگر، خواص فیزیکی ویژه‌ای نهاده تا انسان‌ها با به کار بردن آن‌ها، بر روی آب سیر و سفر کنند؛ خدایی که مرکب‌های اهلی عظیم‌الجثه را در مقابل انسان‌ها رام و مطیع کرده تا کیلومترها راه را در دشت و صحرا، سوار بر آن‌ها ببیمایند. آری، قرآن از پیروان خویش می‌خواهد که در هنگام استفاده از هر نعمتی، فوری از خدای نعمت‌بخش شکرگزاری کنند و او را به پاکی و یکتایی بستایند.

از این رو در برخی روایات نیز شاهد این سفارش هستیم که هنگام سوار شدن بر مرکب، عبارت **«سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ»** خوانده شود، و این بدان معناست که انسان باید همه‌ی نعمت‌ها را از سوی خدا بداند؛ نه مانند افراد مغرور و سرمست که در هنگام بهره بردن از نعمت‌های خدا، هیچ توجهی به او ندارند و حتی خدای ناکرده با نعمت‌های او، نافرمانی هم می‌کنند. البته نتیجه‌ی این شکر و سپاسگزاری، به خود انسان بازمی‌گردد و خدای بزرگ از تشکر ما بندگان ناچیز بی‌نیاز است. در حدیثی از امام صادق **«إِنَّهَا لَمِي خَوَانِيم: «اگر خداوند به هر بنده‌ای نعمتی ببخشد و او با قلبش، آن نعمت را از جانب خدا بداند و با زبانش، شکر او را آشکار کند، سخن او به پایان نمی‌رسد مگر این‌که فرمان زیاد شدن آن برای او صادر می‌شود.»** در حدیثی از امام علی **«إِنَّهَا لَمِي خَوَانِيم: «خدا در هر نعمتی حقی دارد که هر کس آن را ادا کند، خدا از آن نعمت بر او می‌افزاید، و هر کس در ادای آن حق کوتاهی کند، آن نعمت را خود به نابودی کشانده است.»**

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا

بدین سان، پیش از تو، هیچ هشدار دهنده‌ای را در هیچ شهری نفرستادیم، مگر این که کسانی که نعمت (های دنیا)، آنان را به طغیان و سرمستی

إِنَّا وَجَدْنَا عِبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ ﴿٢٣﴾

وافته بود، گفتند: «ما اجداد و نیاکان ما را بر راه روشی یافتیم، و ما با دنباله‌روی از ایشان، راه آنان را پی می‌گیریم.» ۲۳ (هشدار دهنده‌گان)

قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ عِبَاءَكُمْ قَالُوا

گفتند: «آیا اگر چیزی برایتان بیاوریم که بیش از آنچه اجداد و نیاکان‌تان را بر آن (معتقد) یافتید، هدایتگر باش...» باز هم از آنان پیروی

إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٢٤﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظُرْ كَيْفَ

می‌کنید؟» گفتند: «ما آن چه را که به همراه آن فرستاده شده‌ایم، انکار می‌کنیم.» ۲۴ در نتیجه، آنان را مجازات کردیم. پس بین

كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٢٥﴾ وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ

فرجام تکذیب کنندگان چگونه بود. ۲۵ زمانی را (یاد کن) که ابراهیم به عمو و قومش گفت: «من با آنچه شما می‌پرستید، هیچ

إِنِّي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ

رابطه‌ای ندارم. ۲۶ البته (در پیشگاه) کسی که مرا پدید آورده (، خضوع می‌کنم)؛ زیرا او مرا (به کمال و سعادت) هدایت خواهد کرد.»

﴿٢٧﴾ وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾

۲۷ خداوند، بیکبارستی را سخنی پاینده در (افرادی از) نسل او قرار داد؛ باشد که مردم (از شرک خود دست بردارند و به دعوت پیشوایان توحیدی)

مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَ عِبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَ رَسُولٌ مُبِينٌ ﴿٢٩﴾

باز کردن. ۲۸ نکته‌ی دیگر این که من این افراد (زمان تو) و اجداد و نیاکان‌شان را (از نعمات دنیا) بهره‌مند کردم تا این که حق و پیامبری روشنگر

وَ لَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالُوا

سرافشان آمد. ۲۹ هنگامی که حق نودشان آمد، گفتند: «این جادوست، و ما متکر (آسانی بودن) آن هستیم.» ۳۰ گفتند:

لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿٣١﴾

«چرا این قرآن بر مردی بزرگ (و صاحب مال و مقام) از (یکی از) دو شهر (مکه یا طائف) نازل نشده است؟» ۳۱ مگر اینان (رحمت) (خاص)

يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ

پروردگارت (یعنی نبوت) را تقسیم می‌کنند؟ (این) ما هستیم که در زندگی دنیا، وسایل حیات آنان را در میان‌شان تقسیم کرده‌ایم و برخی از آنان

الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ

را به رتبه‌هایی بر برخی (دیگر) برتری داده‌ایم تا بعضی از آنان، بعضی دیگر را به خدمت گیرند (و هر چه از نظام انسانی به حرکت درآید، و

بَعْضًا سَخِرِيًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾

رحمت) (خاص) پروردگارت (یعنی نبوت)، از آنچه (مردم در زندگی‌شان) جمع می‌کنند (و در تقسیم آن نقشی ندارند) بهتر (و والاتر) است. ۳۲

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ

اگر (این حقیقت) نبود که مردم (در دریافت رزق و روزی)، یک گروه هستند (و خداوند در این مورد بین مؤمن و کافر فرقی قائل نمی‌شود)، قطعاً

لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ﴿٣٣﴾

برای خانه‌های کسانی که به (خدای) رحمان کفر می‌ورزند، سقف‌هایی (مجلل) از نقره قرار می‌دادیم، و (نیز) پله‌هایی (زیبا) که از آن بالا روند؛ ۳۳

۳۳ تا ۳۵. بی‌ارزشی تجملات دنیا در برابر نعمت‌های آخرت: دوران پیش از اسلام - که به جاهلیت معروف است -، دوران حکومت ارزش‌های دروغین بود. شخصیت افراد در آن روزگار، به شمار شتران و درهم و دینار و غلامان و کنیزان و خانه‌ها و وسایل آن‌ها سنجیده می‌شد، و فقر و ثروت کم، نشانگر پستی و بی‌ارزشی انسان بود. این بیماری فکری چنان شدید شده بود که به فرموده‌ی قرآن در سوره‌ی تکوین، برخی از قبایل عرب که بر سر زیاد بودن افراد و اموال و ثروت خود با یکدیگر رقابت داشتند، به گورستان‌ها رفتند و مردگان خود را نیز شمردند و بدین آمار تفاخر کردند! در چنین اوضاعی، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله - که از قشر متوسط جامعه بود و زندگی ساده‌ای داشت - به پا خاست و خود را پیام‌آور خدای جهان معرفی کرد. بسیاری از مردم فقیر و مستضعف که به راستی گرفتار او پی بردند، دعوتش را پذیرفتند و مسلمان شدند. همین باعث شد که سران شرک و بت‌پرستی، در موضع مخالف اسلام ایستادند و ایراد گرفتند که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله از قشر توانمند جامعه نیست، و چرا بیشتر پیروانش، افراد فقیر و پایین‌دست جامعه هستند. اسلام نیز در برابر این تفکر نادرست ایستاد و آن را به شدت محکوم کرد؛ چراکه از نظر قرآن، مال و ثروت، فقط ابزاری برای زندگی و رسیدن به سعادت است، نه هدف زندگی و خود سعادت.

قرآن، بارها مردم را از علاقه‌ی افراطی به مال و ثروت نهی کرده و پیامبر صلی الله علیه و آله را از بی‌توجهی به فقرا باز داشته و به آن حضرت توصیه کرده که همواره مسلمانان فقیر، و در عین حال، مخلص و فداکار را مورد لطف و توجه خود قرار دهد. قرآن برای اعلام بی‌ارزش بودن مال و ثروت دنیا در برابر آخرت، در آیات مورد بحث اعلام می‌کند که اگر این احتمال نبود که افراد سست‌ایمان از دین خود دست بردارند، خدا نعمت‌های مادی را از آسمان و زمین بر دشمنان خود سرازیر می‌کرد و قصرهایی باشکوه با سقف‌ها، پلکان‌ها، درها و تخت‌های نقره‌ای در اختیارشان قرار می‌داد. سپس قرآن کریم در یک جمله‌ی کوتاه و پرمعنا بیان می‌کند که «همه‌ی این‌ها فقط وسایل بهره‌مندی در زندگی دنیاست و آخرت نزد پروردگارت برای پرهیزکاران است». آری، چه بسیار فرعون‌هایی که بر مرکب غرور سوار بودند و در میان امواج آب غرق شدند، و چه بسیار قارون‌هایی که از مال و ثروت خویش سرمست بودند و در میان خاک مدفون شدند و دیگر از قدرت و شوکت و برج و بارویشان خبری نیست؛ و چه بسیار پیامبران و مؤمنانی که در دنیا با سختی و تنگ‌دستی به سر بردند و اکنون از نعمت‌های خاص الهی بهره‌مندند. پیشوای ششم ما شیعیان در این باره فرموده است: «اگر [زرق و برق و تجملات] دنیا نزد خدا به اندازه‌ی بال مگسی ارزش داشت، به دشمنانش اجازه‌ی نوشیدن جرعه‌ی آبی [در دنیا] می‌داد.» پس مبادا ما که پیرو چنین مکتبی هستیم، خود را در برابر ثروتمندان مغرور ببازیم و پول و ثروت، بزرگ‌ترین هدف زندگی‌مان شود.

وَلَبِئْسَ أَهْلُهَا يَتَّكِعُونَ ﴿٢٤﴾ وَزُحُفًا ٤

و برای خانه هایشان، درهایی (بی نظیر) و تخت هایی (باشکوه) که بر آن بنشینند، و همه ی این ها نیز از نقره باشد)؛ ۲۴: (هر گونه) زر و زیور

وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ

را (که تصور کنید، برایشان قرار می دادیم)، و البته همه ی این ها فقط وسیله بهره مندی (از زندگی دنیاست، و نزد پروردگارت، آخرت برای

لِلْمُتَّقِينَ ﴿٢٥﴾ وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا

پرهیزکاران است. ۲۵: هر کس از یاد (خدای) رحمان روی گرداند، (به جای هم نشینان نورانی که می توانست داشته باشد)، پرایش شیطانی را

فَهُوَلَهُ قَرِينٌ ﴿٢٦﴾ وَإِنَّهُمْ لَيُصِدُّوهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ

جایگزین می کنیم، و در نتیجه، او هم نشین وی خواهد شد. ۲۶: و آن شیاطین، آنان را از راه و روش (حق) بلرمی دارند، و این در حالی است

أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٢٧﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ

که آنان فکر می کنند هدایت شده اند. ۲۷: پس هنگامی که نزد ما می آیند، (به آن هم نشین پلید) می گوید: «ای کاش بین من و تو، فاصله ای

بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَيَبْسُ الْقَرِينُ ﴿٢٨﴾ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ

به دوری شرق و غرب بود؛ که چه هم نشین بدی هستی! ۲۸: این که امروز شما در عذاب یا یکدیگر شریک هستید، سودی به حالتان ندارد

ظَلَمْتُمْ أَتَّكُمُ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٢٩﴾ أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الصَّمَرَ

(، و دیدن عذاب یکدیگر، از درد ورنج شما نمی کاهد)؛ زیرا شما ستم کردید. ۲۹: آیا تو می توانی افراد ناشنوا را (برای شنیدن ندای حق)

أَوْ تَهْدِي الْعُمَىٰ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٠﴾ فِيمَا نَذَبْنَا

شنوا کنی؛ یا افراد کور(دل) و کسانی را که در گمراهی آشکار به سر می بردند، هدایت کنی؟ ۴۰: اگر (پیش از عذاب آنان) تو را (از دنیا)

بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴿٤١﴾ أَوْ نُزِينَتِكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ

ببریم، یا آنچه را که به آنان وعده داده ایم، (در هر حال)؛ آنان را معجزات خواهیم کرد؛

فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُّقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ

زیرا ما بر (معجزات) آنان کاملاً توانا ایم. ۴۱ و ۴۲: پس آنچه را که بر تو وحی شده، محکم بگیر؛

إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ

زیرا تو بر راهی راست قرار داری. ۴۳: به راستی که قرآن برای تو و قومت، مایه ی یادآوری (خدا)ست، و به زودی

وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿٤٤﴾ وَسَأَلْنَا مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا

(در مورد آن) بازخواست خواهیم شد. ۴۴: از پیامبران مان که پیش از تو فرستادیم، بپرس: آیا به جای (خدای)

أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِلَهًا يُعْبَدُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا

رحمان، معبودانی که پرستش شوند، قرار دادیم؟ ۴۵: به راستی موسی را با آیات و نشانه هایمان نزد فرعون و اشراف

مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ

و سران (قوم) او فرستادیم. پس (نزد آنان رفت و) گفت: «من فرستاده ی مالک و صاحب اختیار جهانیان

الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٤٧﴾

هستم. ۴۶: پس (فرعونیان از او معجزه خواستند، و) هنگامی که معجزات ما را برایشان آورد، ناگاه (از روی تمسخر) به آن معجزات خندیدند. ۴۷

۳۶ تا ۳۹. چه هم‌نشین بدی! بر اساس آیات قرآن، یاد خدا و توجّه به سخنان و نشانه‌های او، تأثیرات ویژه‌ای در زندگی انسان می‌گذارد. به فرموده‌ی قرآن، یاد خدا، مایه‌ی آرامش دل و جان است، و توجّه به او و پایداری بر اطاعتش، مایه‌ی همراهی فرشتگان با انسان و جلب دوستی و حمایت آنان در زندگی دنیا و آخرت می‌شود. در مقابل، فراموشی خدا و پشت کردن به سخنان و نشانه‌های او، آثار بسیار خطرناک و نابودگری در زندگی انسان دارد؛ آثاری مانند داشتن زندگی سخت و نکبت‌بار در دنیا و عالم برزخ، کور محسور شدن در عالم قیامت، به دوش کشیدن بار سنگین گناه در آن جهان، چشیدن مجازات الهی و هم‌نشینی با شیاطین در دنیا و آخرت.

آری، به فرموده‌ی آیات مورد بحث، بی‌توجهی به یاد خدا و پشت کردن به آن باعث می‌شود که شیطان پلید به جای فرشتگان پاک، هم‌نشین انسان شود. البته طولانی شدن این هم‌نشینی، به قیمت از دست رفتن سعادت انسان تمام می‌شود؛ زیرا آن هم‌نشین خبیث، آرام آرام بزرگ‌ترین نعمت خدا به انسان یعنی عقل و بصیرت او را از کار می‌اندازد و قدرت تشخیص خوب و بد را مخفیانه از او می‌گیرد. نکته‌ی مهم این است که چنین افراد فریب‌خورده‌ای، هیچ‌گاه گمراهی خود را نمی‌پذیرند و گمان می‌کنند که در راه درست زندگی گام برمی‌دارند، و این وضعیت ادامه دارد تا هنگامی که پرده از پیش چشمانشان کنار می‌رود و جهان آخرت در مقابل دیدگانشان نمایان می‌شود. در آن زمان، با دیدن وضعیت فلاکت‌بار خود و هم‌نشینان پلید و فریب‌کاری که آن‌ها را به این روز انداخته‌اند، آه از نهادشان بلند می‌شود و با نفرت تمام آرزو می‌کنند که ای‌کاش به اندازه‌ی فاصله‌ی شرق و غرب عالم، از آن‌ها دور بودند؛ ولی این آرزو هرگز به جایی نمی‌رسد و هیچ‌گاه میان آن‌ها و شیاطین فاصله نمی‌افتد، و به ایشان گفته می‌شود همان‌طور که شیاطین در دنیا با شما هم‌نشین بودند، در آخرت و در عذاب‌های دوزخی نیز در کنارتان خواهند ماند، و این خود، عذابی بزرگ برایشان است که باید پیوسته از دیدن چهره‌ی زشت شیاطین زجر بکشند. بر اساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام، یکی از راه‌های دور کردن شیاطین، «خواندن قرآن» است. در حدیثی از امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌خوانیم: «خانه‌ای که در آن قرآن خوانده و خدای بزرگ یاد می‌شود، برکتش فزونی می‌یابد و فرشتگان در آن حاضر و شیاطین از آن دور می‌شوند و برای ساکنان آسمان می‌درخشد؛ همان‌طور که ستارگان برای ساکنان زمین می‌درخشند. و خانه‌ای که در آن قرآن خوانده و خدای بزرگ یاد می‌شود، برکتش کاستی می‌پذیرد و فرشتگان از آن دور شده، شیاطین در آن حاضر می‌شوند.»

وَمَا نُزِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ

و هیچ معجزه‌ای را به آنان نشان ندادیم، مگر این که از (معجزه‌ی) مشابه‌اش بزرگ‌تر بود، و آنان را با (انواع) عذاب (های دنیایی) گرفتار

بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾ وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرِ ادْعُ لَنَا

کردیم تا مگر بزرگ‌ترند. ۴۸ (هنگامی که گرفتار می‌شدند) می‌گفتند: «ای جادوگر، به خاطر ما از پروردگارت بخواه که بنا به عهدی که با تو (در

رَبِّكَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ

مورد استعجابت دعا) دلد، (عذاب را از ما برطرف کند)؛ که (اگر چنین شود)، ما هدایت خواهیم شد. ۴۹ پس (موسی از ما درخواست می‌کرد،

الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ﴿٥٠﴾ وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ

و) هنگامی که عذاب را از آنان برطرف می‌کردیم، ناگهان عهد می‌شکستند. ۵۰ فرعون در میان قومش ندا داد (و)

قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ

گفت: «ای قوم من، آیا فرمان‌روایی مصر و این رودها که پیش روی (مصر) من روان است،

تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَمْنُونٌ

برای من نیست؟ آیا نمی‌بینید؟ ۵۱ (او بهتر از من نیست)؛ بلکه من از این کسی که خوار و بی‌مقدار است و نمی‌تواند

وَلَا يَكَادُ بَيْنُ يَدَيْهِ أَجْرُ اللَّهِ فَأَلَمَتْ أَفْئِدَتُهُمْ هَوْنًا

روشن و گویا سخن بگوید، بهتر؛ ۵۲ (اگر او سروری دارد، نه من)؛ چرا دست‌بندهایی ز زمین بر او افکنده نشده،

جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ﴿٥٣﴾ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ

یا چرا فرشتگان، حوشادوش او فرستاده نشده‌اند (تا یاری‌اش کنند)؟ ۵۳ بدین ترتیب، قومش را به جهل و سبک‌مری

فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٥٤﴾ فَلَمَّا عَاسَفُونَا

کشاند. پس آنان (نیز) از او پیروی کردند؛ زیرا آنان، افرادی نافرمان بودند. ۵۴ پس هنگامی که خشم ما را

انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٥﴾ فَجَعَلْنَاهُمْ

بر افروختند، آنان را مجازات کردیم؛ بدین صورت که همه را غرق کردیم. ۵۵ پس آنان را پیشگامان

سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ ﴿٥٦﴾ وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ

(ورود به آتش) و مایه‌ی عبرت آیندگان قرار دادیم. ۵۶ هنگامی که پسر مریم (نشانه‌ای بزرگ) مطرح شد،

مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾ وَقَالُوا يَا هَيْهاتُ خَيْرٌ

ناگهان قوم تو به آن خندیدند و جار و جنجال کردند. ۵۷ و گفتند: «آیا خدایان ما بهتر است یا او؟» این سخن را

أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾

فقط از سر بحث و جدل (و لجاجت) گفتند. آنان، افرادی (لجوج و) به شدت اهل بحث و جدل‌اند. ۵۸ فقط بنده‌ای است که به او نعمت

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ

(تبیوت) بخشیدیم و او را نشانه‌ای (از قدرت خویش) برای بنی‌اسرائیل قرار دادیم. ۵۹ (فریض چنین بنده‌ای محال نیست؛ چه این که) اگر

﴿٥٩﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ﴿٦٠﴾

می‌خواستیم، قطعاً برخی از شما را به صورت فرشتگانی (پاک) پدید می‌آوردیم که (نسل اندر نسل) در زمین جانشین یکدیگر باشند. ۶۰

۱۳۱

۵۱ تا ۵۴. ارزش‌های مادی؛ ارزش‌های معنوی: در توضیح آیات ۳۳ تا ۳۵ همین سوره خواندیم که اسلام در برابر تفکر مادی‌ای که بر جامعه‌ی عرب حاکم بود، ایستاد و برای آنان که عزت و شرف را ثمره‌ی ثروت و قدرت می‌پنداشتند، ارزش‌های جدیدی را معرفی کرد؛ ارزش‌هایی همچون ایمان، تقوا، علم، پاک‌دامنی، گذشت و... آیات مورد بحث نیز با اشاره به داستان حضرت موسی علیه السلام و فرعون، به همین نکته اشاره کرده، بیان می‌کند که دشمن حضرت موسی علیه السلام نیز مانند دشمنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فکر می‌کرد و ارزش و افتخار را نتیجه‌ی ثروت و قدرت می‌پنداشت.

بر اساس این آیات، پس از آن‌که حضرت موسی علیه السلام انواع و اقسام معجزات را به فرعونیان نشان داد و به برکت دعایش، بلایای طبیعی از مردم مصر برطرف شد، بسیاری از مردم به سمت او رو کردند، و پایگاه اجتماعی فرعون، به شدت متزلزل شد. پس فرعون تصمیم گرفت با یک برنامه‌ی تبلیغاتی وسیع، به جنگ موسی علیه السلام برود، و برای این هدف، ارزش‌های پست مادی را در برابر ارزش‌های معنوی موسی علیه السلام قرار دهد؛ زیرا ارزش‌های مادی او، افراد کم‌خرد و ظاهرین را بدون نیاز به فکر و اندیشه، به آسانی به سوی او می‌کشاند؛ در حالی که ارزش‌های موسی علیه السلام، ارزش‌هایی معنوی بودند که تنها با به کار بردن اندیشه و ایمان به خدا و جهان پس از مرگ می‌توان به آن‌ها دست یافت و برتری‌شان را بر ارزش‌های مادی حس کرد. از این رو فرعون به مقایسه‌ی میان خود و موسی علیه السلام دست زد و امکانات فراوان مادی خود را به رخ اموال به‌ظاهر ناچیز موسی کشاند. او از فرمان‌روایی خود بر مصر و تسلطش بر رودهای پرآب آن کشور که زندگی مردم به آن‌ها وابسته بود، سخن گفت و از مردم خواست که به وضعیت مادی موسی علیه السلام نگاه کنند که جز لباسی پشمین و عصایی چوبین، چیزی از دنیا ندارد و آنگاه قضاوت کنند که کدام‌یک از آن دو برترند. آری، این روش همه‌ی طاغوت‌ها در همه‌ی زمان‌هاست که برای حکومت بر مردم، ابتدا عقل و فکر آنان را به اسارت می‌گیرند و با بزرگ نشان دادن جاذبه‌های مادی و باشکوه جلوه دادن قدرت‌های زودگذر خویش، مردم را شیفته‌ی خود می‌کنند و سپس از آنان برای رسیدن به مقاصد مادی خویش بهره می‌گیرند، و البته کسانی سخن آنان را می‌پذیرند که نافرمانی خدا را بر اطاعت او ترجیح می‌دهند؛ زیرا نافرمانی خدا، نتیجه‌ی برتر دانستن زندگی زودگذر دنیا از حیات جاودان آخرت است، و انگیزه‌ی آن، چیزی جز علاقه‌ی افراطی به جاذبه‌های مادی مانند علاقه به مال و ثروت و مقام و تمایل به شهوت‌رانی نیست. از این رو قرآن پس از نقل سخنان فرعون، در یک جمله‌ی کوتاه و پرمحتوا می‌فرماید: «فرعون، قومش را به جهل و سبک‌سری کشاند، و آنان نیز از او پیروی کردند؛ زیرا آنان افرادی نافرمان بودند.»



وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ

قطعا (حیات شکفت انگیز) مسیح، نشانه‌ای برای (یقین به) قیامت است؛ بنابراین هرگز در مورد قیامت شک و تردید نداشته باشید و از من  
مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ  
پیروی کنید؛ که راه راست همین است. ۶۱. و شیطان، شما را (از حرکت در راه خدا) باز ندارد؛ زیرا او برای شما دشمنی آشکار است.

﴿٦٢﴾ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ

۶۲ هنگامی که عیسی معجزات و دلایل روشن آورد، گفت: «بفرستی که برایتان معارف حکیمانه‌ای آورده‌ام و آمده‌ام برخی  
وَلَا بُيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا  
از اموری را که در آن اختلاف دارید، برایتان روشن کنم. پس خود را از (خشم) خدا حفظ کنید و از من پیروی نمایید.

﴿٦٣﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

۶۳ این الله است که مالک و صاحب‌اختیار من و شماست. پس او را پرستید؛ که راه راست همین است.»

﴿٦٤﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا

۶۴ پس گروه‌های مختلفی از میان اهل کتاب، (در پاره‌ی او) به اختلاف افتادند؛ پس وای به حال ستم‌گران

مِنَ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ ﴿٦٥﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ

به سبب عذاب روزی دردناک! ۶۵ آیا جز منتظر این هستند که قیامت ناگهانی فرارسد؛ در حالی که

تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾ الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ

آنان (به امور دنیایی‌شان مشغول و از آن واقعه) بی‌خبرند؟ ۶۶ در آن روز، دوستان (دنیایی)،

بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾ يَلْعَابِدِ لِأَخْوَفِ

دشمن یکدیگرند؛ مگر پرهیزگاران؛ ۶۷ (که از سوی خدا به ایشان خطاب می‌رسد): «ای بندگان من، امروز هیچ

عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا

ترسی شما را فرا نمی‌گیرد و اندوهگین نخواهید شد.»؛ ۶۸ همان‌ها که به آیات و نشانه‌های ما ایمان

وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ

داشتند و همواره تسلیم (امر ما) بودند. ۶۹ (به آنان گفته می‌شود): «شما و همسران‌تان، شاد و خرم

تُخْبَرُونَ ﴿٧٠﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ

وورد بهشت شوید.» ۷۰ ظرف‌های زرین پر از غذا و جامه‌هایی (از نوشیدنی‌های گوارای بهشتی)، دور آنان

وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا

چرخانده می‌شود، و در آنجاست که هر چه دل‌ها بخواهد و چشم‌ها از آن لذت برند، وجود دارد و شما همیشه در

خَالِدُونَ ﴿٧١﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ

آن خواهید ماند. ۷۱ این، همان بهشتی‌ست که در برابر کارهایی که (در دنیا) می‌کردید، به

تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾

میراث می‌برید. ۷۲ در آنجاست که میوه‌هایی بسیار دارید که از آن‌ها میل می‌کنید. ۷۳

۶۷. پرهیزکاران؛ دوستان راستین: از زمانی که انسان مفهوم زندگی اجتماعی را درک می‌کند، با معنای دوستی نیز آشنا می‌شود. البته برقرار کردن رابطه‌ی دوستی با دیگران ممکن است انگیزه‌های متفاوتی داشته باشد؛ هم‌کار بودن، هم‌محله بودن، هم‌کلاس بودن، هم‌خوابگاه بودن، هم‌فکر بودن، هم‌کیش بودن و... پس می‌توان گفت که عمر دوستی‌ها، به عمر سبب آن وابسته است و با از بین رفتن آن سبب، رابطه‌ی دوستی نیز ممکن است قطع شود. شاید خود ما نیز تجربه‌های زیادی در این باره داشته باشیم که با تغییر مدرسه، محله، کار و...، دوستانمان نیز تغییر کرده باشند.

از آیات قرآن اما استفاده می‌شود که رابطه‌ی دوستان دنیایی به دو گونه به جهان آخرت کشیده می‌شود: یا این رابطه به دشمنی بسیار شدید تبدیل می‌شود، یا قوامی بسیار افزون‌تر از رابطه‌ی دنیا پیدا می‌کند. حالت نخست، هنگامی است که انگیزه‌ی دوستی و رفاقت، دشمنی با خدا و نافرمانی او باشد. چه بسیار دوستانی که سبب دوستی‌شان، گناه، دزدی، جنایت و ظلم به مردم است و برای رسیدن به اهداف پلید و شیطانی خود، از یکدیگر حمایت می‌کنند و گاهی از جانشان نیز برای هم مایه می‌گذارند! به فرموده‌ی قرآن، دوستان این‌چنینی، در جهان آخرت با برداشته شدن پرده از اسرارشان و مشاهده‌ی این حقیقت که دوستی‌شان، آنان را به بدبختی و عذاب همیشگی کشانده، با هم دشمن می‌شوند و آشکارا از یکدیگر بی‌زاری می‌جویند و حتی همدیگر را لعنت می‌کنند و با دیدن هم، پا به فرار می‌گذارند. در برابر این گروه، دوستانی نیز وجود دارند که با دیدن یکدیگر، به یاد گذشته‌ی نورانی خویش می‌افتند و از دوستی پربرت دنیایی خود کاملاً راضی و خشنودند. آنان کسانی هستند که مبنای دوستی‌شان، ایمان به خدا، پرهیزکاری، خدمت به مردم و درست‌کاری بوده است. علاقه‌ی آنان به یکدیگر، نه برای انگیزه‌های زودگذر دنیایی، بلکه به سبب علاقه به ارزش‌های والای انسانی بوده، و همین دوستی، علت مهمی برای سعادت و خوشبختی‌شان شده است. خداوند در این آیه به همین نکته اشاره کرده، بیان می‌فرماید که دوستانی که بر سر گناه و نافرمانی خدا با هم رفاقت داشتند، در آن روز دشمن یکدیگرند، و تنها افراد پرهیزکار و خداترس هستند که رفاقت‌شان پابرجا می‌ماند. این حقیقت در این روایت از امیر مؤمنان علی علیه السلام به روشنی به چشم می‌خورد: «دوستی دوستانی که سبب دوستی‌شان خداست، ادامه می‌یابد؛ زیرا سبب آن جاودان است.» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد ارزش چنین رفاقتی فرموده است: «انسان مسلمان پس از اسلام از هیچ چیزی مانند دوستی که در راه خدا به دست آورده، بهره نمی‌برد.» امام رضا علیه السلام نیز در این باره فرموده است: «هر کس دوستی در راه خدا برگزیند، خانه‌ای در بهشت به دست آورده است.»

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يَفْتَرُ عَنْهُمْ

کته گران همیشه در عذاب جهنم خواهند ماند. ۷۴ عذابشان سبک نمی شود و در آنجا مأیوس و غمگین خواهند بود. ۷۵ ما بر آنان ستم

وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ

نکردیم؛ بلکه خودشان ستم کار بودند. ۷۶ آنان ندا می دهند: «ای نگهبان دوزخ، (از) پروردگارت (بخواه تا) ما را بپرانند.» می گوید:

﴿٧٦﴾ وَنَادُوا يَمَّا لَكَ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَكِثُونَ ﴿٧٧﴾

«شما (در اینجا) خواهید ماند. ۷۷ به راستی ما حق را برایتان آوردیم؛ ولی بیشتر شما از حق بدتان می آمد. ۷۸ آیا آنان عزم خود را

لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ ﴿٧٨﴾

(برای نابودی دین) جزم کرده اند؟ پس ما (نیز) عزم خود را (برای هلاکت آنان) جزم کرده ایم. ۷۹ آیا آنان می بندند که ما آنچه (در دل

آم ابرموا أمراً فإننا مبرمون ﴿٧٩﴾ أم يحسبون أننا لا نسمع سرهم

می گویند و) پنهان می کنند و سخنان درگوشی آنان را نمی شنویم؟ چرا! (می شنویم) و فرستادگان ما نزدشان (حاضرند و اعمالشان را)

وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾ قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ

می نویسد. ۸۰ بگو: اگر (به فرض محال) خدا فرزندی داشت، من نخستین کسی بودم که (او را) می پرستیدم. ۸۱ مالک و صاحب اختیار

وَلَدٌ فَآنَا أَوْلُ الْعَالَمِينَ ﴿٨١﴾ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

آسمانها و زمین که مالک و صاحب اختیار تخت فرمانروایی و سلطنت (بر جهان هستی) است، از توصیفهای ناشایست آنان پاک و

رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٨٢﴾ فَذَرَهُمْ يَخوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ

منزه است. ۸۲ پس رهایشان کن تا (در کارهای باطل خود) فرو روند و سرگرم بازی باشند تا بآن روز که به آن وعده داده می شوند،

يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿٨٣﴾ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَفِي

روبرو می شوند. ۸۳ او کسی است که در آسمان معبود است و در زمین (نیز) معبود است، و اوست که حکیم و بسیار داناست. ۸۴ بسیار

الْأَرْضِ إِلَهُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ

والا مرتبه است کسی که فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست، تنها برای اوست، و آگاهی از (زمان) قیامت، تنها نزد

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ

اوست، و فقط به پیشگاه او بازگردانده می شوید. ۸۵ کسانی که به جای خدا می پرستند، از هیچ شفاعتی برخوردار نیستند، البته کسانی

تُرْجَعُونَ ﴿٨٥﴾ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ

که (در دنیا) به حقیقت (و یگانگی خداوند) گواهی دادند و می دانند (که خدا به شفاعت چه کسانی راضی ست، شفاعت خواهند

شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ

(کرد) ۸۶ از آنان بپرسی که چه کسی آنان را آفریده است، قطعاً می گویند: «الله.» پس چگونه (از حق و حقیقت) باز گردانده

لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَاَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾ وَقِيلَ لَهُ يَرْبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ

می شوند. ۸۷ (و همچنین نزد اوست آگاهی از این) سخن پیامبر (که عرض کرد): «پروردگارا، اینان، افرادی هستند که ایمان

لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

نمی آورند. ۸۸ بنابراین، از آنان روی گردان و بگو: شما را (به حال خود) رها می کنم؛ چه این که به زودی خواهند دانست. ۸۹

۷۴ تا ۷۷. زمانی که گنه‌کاران مرگ خود را می‌خواهند و مرگی در کار نیست: این آیات، فرجام دردناک دشمنان خدا را بازگو می‌کند؛ کسانی که لحظه‌ای از دشمنی با خدا و پیامبرانش کوتاهی نکردند و با دیدن معجزات الهی و دلایل روشن، باز هم لجابت ورزیدند و از پذیرش حق سر باز زدند و با دلی تاریک و سرشار از نفرت از حقیقت، دنیا را پشت سر گذاشتند. خداوند در این آیات می‌فرماید که این افراد گنه‌کار همیشه در عذاب دوزخ خواهند ماند ﴿إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ﴾. البته آنجا مانند دنیا نیست که طولانی شدن دوران محکومیت، باعث کاهش تدریجی مشکلات زندان شود؛ بلکه هرگز عذاب از آن‌ها کاسته نمی‌شود و هیچ‌گونه راه نجاتی برایشان وجود ندارد و آن‌ها همواره از همه جا مأیوس و نومیدند ﴿لَا يُقْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْسُونَ﴾. این وضعیتی طاقت‌فرسا بی‌شک نتیجه‌ی عملکرد نادرست خود آنان در دنیاست و خدا ظلمی به آنان نکرده است ﴿وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ﴾. سپس در آیه‌ی ۷۷ به حقیقتی عبرت‌انگیز اشاره شده که نشان‌دهنده‌ی شدت عذاب دوزخیان است.

به فرموده‌ی این آیه، زندانیان جهنم نزد نگهبان دوزخ - که «مالک» نام دارد - آمده، از او می‌خواهند که از خدا بخواهد که مرگ آنان را برساند؛ ولی او به آن‌ها پاسخ می‌دهد که مرگی در کار نیست و شما برای همیشه در این حال خواهید ماند. از این آیه استفاده می‌شود که اولاً دوزخیان نمی‌توانند مستقیم با خدا صحبت کنند و شایستگی این ارتباط را ندارند؛ چنان‌که در آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی مطففین می‌خوانیم که دوزخیان از پروردگارشان در حجاب و حایل قرار دارند، و آیه‌ی ۱۰۸ سوره‌ی مؤمنون نیز حکایت می‌کند که خدا در پاسخ دوزخیان، آنان را مانند موجوداتی پست و بی‌ارزش از خود طرد می‌کند. ثانیاً عذاب دوزخ چنان شدید است که ساکنان آن، مرگ را بر زندگی در آن حال ترجیح می‌دهند. ثالثاً در قیامت، مرگ و نابودی وجود ندارد و آنجا مانند دنیا نیست که سختی‌های بزرگش پس از گذشت زمان تحمل‌پذیر شود. در حدیثی از امام سجاد علیه السلام می‌خوانیم که اهل دوزخ در ابتدا بهشتیان را ندا می‌دهند و از آنان می‌خواهند که از آب و غذاهایشان به آنان بدهند، و برای شنیدن جواب، چهل سال معطل می‌شوند، و پس از آن با خواری جواب می‌گیرند که رسیدن آب و غذاهای بهشت به دوزخیان را خدا ممنوع کرده است. در این هنگام، به نگهبانان دوزخ - که شاهد عذاب آن‌ها هستند - می‌گویند: از پروردگارتان بخواهید تنها یک روز از عذاب ما کاسته شود، و باز برای شنیدن جواب، چهل سال معطل می‌شوند، و پس از آن با نومیدی جواب می‌گیرند: خودتان از خدا بخواهید؛ ولی درخواست کافران، گم و نابود می‌شود. در این هنگام که از نگهبانان دوزخ نومید شده‌اند، نزد مالک می‌روند تا شاید او آنان را از بدبختی نجات دهد، و همان‌طور که آیات مورد بحث از قول آنان نقل می‌کند، از او می‌خواهند که از خدا بخواهد مرگ آنان را برساند، و دوباره چهل سال برای شنیدن پاسخ در عذاب می‌مانند، و پس از آن پاسخ می‌گیرند: شما برای همیشه در اینجا خواهید ماند و مرگی در کار نیست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

حَمَّ ۱ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۲ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ  
 حاء، میم. ۱ سوگند به این کتاب روشنگر؛ ۲ که ما آن را در شبی پرخیر و برکت فرو فرستادیم؛ (زیرا) ما همیشه (مردم را) هشدار

مُبْرَكَةٍ اِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ ۳ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ اَمْرٍ حَكِيمٍ ۴  
 می دهیم. ۳ در آن شب، تمام امور حکیمانه و متقن (از سوی خدای متعال نازل شده، براساس تقدیر مخلوقات) بخش بخش می شود؛ ۴

اَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا اِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۵ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ اِنَّهُ هُوَ  
 در حالی (قرآن را نازل کردیم) که فرمانی از جانب ماست. ما همواره (پیامبران را برای هدایت مردم) می فرستیم؛ ۵ (که همه) از روی رحمتی

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۶ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۷  
 از جانب پروردگارت (بر خلائق) است. اوست که بسیار شنوا و داناست؛ ۶ مالک و صاحب اختیار آسمان ها و زمین و آنچه میان آن ها است. اگر

اِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ۷ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ  
 اهل یقین باشید؛ (این حقیقت را درمی یابید). ۷ هیچ خدایی جز او نیست. زنده می کند و می میراند. مالک و صاحب اختیار شما،

وَرَبُّ اَبَائِكُمُ الْاُولٰٓئِن ۸ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ۹  
 و مالک و صاحب اختیار نیاکان گذشته ی شماست. ۸ (آنان یقین ندارند) بلکه در شک و تردیدی (بزرگ) به بازی مشغول اند. ۹

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ۱۰ يَغشى النَّاسَ  
 پس (تو نیز) در انتظار روزی باش که آسمان، دودی نمایان (به میان) آورد؛ ۱۰ که مردم را فراموش کند (و می گویند):

هَذَا عَذَابٌ اَلِيمٌ ۱۱ رَبَّنَا اكشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ اِنَّا مُؤْمِنُونَ  
 «این عذابی دردناک است؛ ۱۱ پروردگاره، عذاب را از ما برطرف کن؛ که ما ایمان آوردیم.»

اِنِّي لَهُمُ الذِّكْرٰى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُوْلٌ مُّبِينٌ ۱۳ ثُمَّ تَوَلَّوْا  
 ۱۳ چگونه می خواهند (پس از برطرف شدن عذاب) یادآوری کنند و پند بگیرند؛ حال آن که (پیش از این) پیامبری روشنگر (با معجزاتی

عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مِّثْنُوْنٌ ۱۴ اِنَّا كاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيْلًا اِنكُمْ  
 آشکار) سراغشان آمد؛ ۱۴ آنکه به او پشت کردند و گفتند: «(این پیامبر،) تعلیم یافته ی (دیگران) و دیوانه است. ۱۴ ما اندکی این عذاب را

عائِدُونَ ۱۵ يَوْمَ نَبِطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرٰى اِنَّا مُنتَقِمُونَ  
 از شما بر طرف می کنیم؛ (ولی بدانید به زودی) شما (به عذاب آخرت) بزمی گردیدید؛ ۱۵ در آن روز که (کافران را) با قدرت تمام و به

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُوْلٌ  
 سخت ترین وضع بگیریم. ما (نافرمانان را) مجازات خواهیم کرد. ۱۶ به راستی که پیش از اینان، قوم فرعون را آزمودیم و پیامبری

كَرِيْمٍ ۱۷ اَنْ اَدُوْا اِلَىٰ عِبَادِ اللّٰهِ اِنِّي لَكُمْ رَسُوْلٌ اٰمِيْنٌ ۱۸  
 گرامی نزدشان آمد؛ ۱۷ (این پیام): «بندگان خدا را (آزاد کنید و) به من بسپارید. من پیامبری امین برای شما هستم.»؛ ۱۸

۲۳

۱۰ تا ۱۶. روزی که دودی در آسمان نمایان می‌شود: این آیات از روزی سخن می‌گویند که در آسمان دودی آشکار پدید می‌آید و مردم را فرا می‌گیرد. کافران از خدا می‌خواهند که عذاب را برطرف کند تا آنان ایمان آورند؛ ولی دیگر فرصت گذشته و زمانی برای یادآوری و پند گرفتن مانده و به‌زودی پس از برطرف شدن این عذاب، عذاب هولناک آخرت سراغ افراد بی‌ایمان خواهد آمد. مفسران در توضیح این آیات گفته‌اند که منظور از این دود فراگیر، همان دود غلیظی است که در پایان جهان و در آستانه‌ی قیامت، صفحه‌ی آسمان را می‌پوشاند و یکی از نشانه‌های فرا رسیدن لحظات پایان دنیا و آغاز عذاب دردناک قیامت برای دشمنان خداست. در آن هنگام، کافران و ستمگران از خواب غفلت بیدار می‌شوند و از خدا می‌خواهند که عذاب را برطرف کند و آنان را به زندگی معمول دنیایی‌شان بازگرداند؛ ولی دست رد به سینه‌هایشان زده می‌شود. این قصه در روایات مفصل‌تر توضیح داده شده است.

در حدیثی می‌خوانیم که شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد این دود سؤال کرد. آن حضرت پاسخ داد: «دودی است که میان مشرق و مغرب [زمین] را پر می‌کند و چهل شبانه‌روز باقی می‌ماند و در افراد باایمان، حالتی شبیه به سرماخوردگی ایجاد می‌کند و در افراد کافر تأثیری می‌گذارد که شبیه افراد مست می‌شوند و دود از بینی و گوش‌ها و پشتشان بیرون می‌آید.» در حدیث دیگری از همان حضرت می‌خوانیم: «ده نشانه، قبل از قیامت ظاهر می‌شود: [آمدن] سفیانی، دجال، دخان [دود]، دابة الارض (جنبنده‌ای که از زمین خارج می‌شود)، قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، طلوع آفتاب از مغرب، نزول حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه، زلزله‌ی فروبرنده‌ای در مشرق، زلزله‌ای همانند آن در جزیره‌العرب، و آتشی که از اعماق عدن برمی‌خیزد و مردم را به سوی محشر می‌راند.»

وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَنِ مُبِينٍ ﴿١٩﴾ وَإِنِّي عُدْتُ

واین که «با انکار پیامبر خدا، در برابر خداوند تکبر نوزید؛ زیرا من برای شما (معجزه و) دلیلی آشکار آورده‌ام؛ ۱۹ و از این که سنگسار

پرستی و ربکم آن ترجمون ﴿۲۰﴾ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاَعْتَرِلُونِ ﴿٢١﴾

کنید، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم؛ ۲۰ و اگر به من ایمان نمی‌آورید، از من کناره‌گیری کنید (و کاری به کارم نداشته باشید). «۲۱»

فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هَدُوا لِقَوْمٍ مُّجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَاسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا

(ولی آنان از آزار او دست برداشتند) پس موسی پروردگارش را (چنین) خواند: «اینان، افرادی که گنند.» ۲۲ پس (به موسی گفتیم): «بندگانم را شبانه راهی کن؛

إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ ﴿٢٣﴾ وَاتْرِكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ ﴿٢٤﴾

زیرا تعقیب می‌شوید؛ ۲۳ و در حالی که دریا آرام است و همچون جاده‌های پهناور گشوده شده، آن را پشت سر بگذار؛ زیرا آنان سپاهسانی هستند

كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾

که غرق خواهند شد. ۲۴ چه باغ‌ها و چشمه‌سارهایی که (فرعونیان) رها کردند؛ ۲۵ و چه کشتزارها و نیز منزلگاه‌هایی عالی و بی‌نیاز، ۲۶

وَنِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَلَكَيْنَ ﴿٢٧﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِينَ

و چه عیش و نوش‌هایی که در آن سرسخت و خوشحال بودند. ۲۷ (آری، فرمان الهی) چنین بود، و آن (نعمت)‌ها را به گروهی دیگر به ارث دادیم.

﴿٢٨﴾ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ ﴿٢٩﴾

۲۸ (آنان غرق شدند؛ ولی) نه آسمان و زمین بر آنان گریستند و نه مهلت یافتند. ۲۹

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣٠﴾ مِنْ فِرْعَوْنَ

بهراستی که بنی‌اسرائیل را از شکنجه‌ی ذلت‌بار نجات دادیم؛ ۳۰ از (شُر) فرعون؛ او شخصی برتری‌جو

إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ

و متکبر بود، و از زرع‌ی کسانی بود که از حد و مرز گذرانده‌اند. ۳۱ به‌راستی که آنان را از روی آگاهی برگزیدیم و بر مردم (زمان خویش)

عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٢﴾ وَعَاتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ

برتری دادیم. ۳۲ و از معجزات و نشانه‌های خود، مواردی (بی‌سابقه) به آنان عرضه کردیم که در آن‌ها آزمونی آشکار (برایشان) وجود داشت.

﴿٣٣﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾ إِن هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ

۳۳ به‌راستی که اینان می‌گویند: ۳۴ «فرجام کار، همین نخستین مرگ است و پس از

وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَاتُوا بِأَبَائِنَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٦﴾

مرگ زنده نخواهیم شد؛ ۳۵ اگر (در بله‌ی قیامت) راست می‌گویید، پدران ما را زنده کنید و نزد ما (بیاورید). ۳۶

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبَّعَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْتَهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا

آیا اینان (در نیرو و قدرت) بهترند، یا قوم تُبَّع و کسانی که پیش از آنان بودند؟ (همه را) نابود کردیم؛ زیرا آنان

مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِلْعِبِينِ

گناه‌کار بودند. ۳۷ ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن‌هاست، به بازی نیافریدیم.

﴿٣٨﴾ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

۳۸ آن‌ها را نیافریدیم، مگر هدفمند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. ۳۹

۲۸ آن‌ها را نیافریدیم، مگر هدفمند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. ۳۹

۲۵ تا ۲۹. آیین‌های عبرت: شاید هنگامی که فرعون با غرور در قصر خود قدم برمی‌داشت و به رود عظیم نیل نگاه می‌کرد و از خدمت‌کاران و نوکران قصر تا بزرگان لشکری و کشوری برای دست‌بوسی نزد او می‌آمدند و در برابرش زانو می‌زدند، هیچ‌گاه در اعماق خیالاتش هم فکر نمی‌کرد که روزی دار و ندارش به قوم بنی‌اسرائیل - که بردگان او محسوب می‌شدند - به ارث برسد و همان کسانی که از نظر او زنده بودند تا به او خدمت کنند، قصر او را زیر پاهایشان لگدمال کنند؛ و شاید فرعون‌یانی که از نعمت‌های دنیا سرمست شده بودند و از هیچ ظلم و ستمی بر مردم مظلوم بنی‌اسرائیل کوتاهی نمی‌ورزیدند، هیچ‌گاه گمان نمی‌کردند که بزرگ‌ترین ثروت ملّی‌شان - یعنی رود نیل - به بلای جان‌شان تبدیل شود و آنان را در میان امواج خود غرق کند؛ اما تنها پس از گذشت چند ساعت از تعقیب بنی‌اسرائیل، باز شدن امواج نیل که مایه‌ی نجات بنی‌اسرائیل شده بود، سبب هلاکت آنان و دنیای حقیرشان شد.

این آیات در چند جمله‌ی کوتاه و زیبا به فرجام دردناک دشمنان موسی عَلَيْهِ السَّلَام اشاره می‌کند و می‌فرماید: «چه‌بسیار باغ‌ها و چشمه‌سارهایی که فرعونیان رها کردند؛ و چه کشتزارها و منزلگاه‌های عالی و بی‌نظیر؛ و چه عیش و نوش‌هایی که در آن سرمست و خوشحال بودند. آری، فرمان الهی چنین بود و آن نعمت‌ها را به گروهی دیگر به میراث دادیم.» در واقع این خصلت دنیاست که شیفتگان خود را می‌فریبد و درست هنگامی که آنان با تمام وجود به آن وابسته شده‌اند، ایشان را از خود جدا می‌کند. این حقیقت در سخن زیبایی از امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام چنین بیان شده است: «دنیا می‌فریبد و آسیب می‌رساند و می‌گذرد... و دنیاداران همچون کاروانیانی هستند که اندکی برای استراحت [از مرکب‌هایشان] پایین آمده‌اند که ناگهان ساربان بر سرشان فریادی می‌کشد و کوچ می‌کنند.» در تاریخ آمده است هنگامی که امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام از شهر مدائن می‌گذشت و آثار کسری (انوشیروان و شاهان ساسانی) و ایوان مدائن را - که نزدیک به فرو ریختن بود - مشاهده کرد و یکی از همراهان آن حضرت، شعری عبرت‌آموز در این باره خواند، فرمود: چرا این آیات را نخواندی: ﴿كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ وَزُرُوعٍ...﴾ (آیات مورد بحث). خاقانی - شاعر نامور ایرانی - با دیدن ایوان مدائن چنین زیبا سروده است: «هان ای دل عبرت‌بین، از دیده نظر کن هان/ ایوان مدائن را، آیین‌های عبرت دان/ پرویز به هر بزمی، زرین‌تره گستردی/ کردی ز بساط زر، زرین‌تره را بستان/ پرویز کنون گم شد، زان گم‌شده کمتر گو/ زرین‌تره کو بر خوان؟ رو «کم ترکوا» برخوان.»



إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ

روز جدایی (نیکوکاران و بدکاران)، وعده‌گاه همه‌ی آنان است؛ ۴۰ روزی که به هیچ وجه دوستی، ج

عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ

(عذابی را) از دوستش دفع نمی‌کند، ویاری نخواهند شد؛ ۴۱ مگر کسی که خدا به او رحم

إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾ إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقْوِمِ ﴿٤٣﴾

کند؛ زیرا او است که شکست‌ناپذیر و مهربان است. ۴۲. درخت زقوم، ۴۳

طَعَامُ الْاِثْمِ ﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلِي

خوراک (افراد) گنه‌کار است؛ ۴۴ که همچون فلز گداخته در شکم‌ها می‌جوشد؛ ۴۵ مانند جوشیدن

الْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾ خَذُوهُ فَاعْتَلَوْهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ

آب جوش. ۴۶ او را بگیرد و به‌زور به میان دوزخ بکشانید؛ ۴۷ آنگاه روی

صَبَّوْا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقْ إِنَّكَ

سرش از آب جوشانی که برای عذاب است، فرو ریزد. ۴۸ بپوش؛ که تو (همان شخص)

أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ

عزمتند و گرامی هستی؛ ۴۹ این (عذاب که چشیدید)، همان است که همواره در آن تردید داشتید.

﴿٥٠﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامِ آمِينَ ﴿٥١﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

۵۰ پرهیزکاران، در منزلگاهی امن به سر می‌برند؛ ۵۱ در باغ‌ها و (کنار) چشمه‌سارها؛

﴿٥٢﴾ يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٥٣﴾

۵۲ در حالی که (با انس و الفت) روبه‌روی هم نشسته‌اند، (لباس‌هایی) از ابریشم ظریف و (نیز) ابریشم درشت‌بافت، به تن دارند. ۵۳

كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿٥٤﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ

(وضعیت بهشتیان) چنین است. و حوریانی سفیدرو و درشت‌چشم را به همسری آنان درمی‌آوریم. ۵۴ هر میوه‌ای را (که مایل باشند)

فَاكِهَةٍ ءَامِنِينَ ﴿٥٥﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا

طلب می‌کنند، (و هر قدر که بخواهند، از آن می‌خورند)؛ در حالی که (از هر بیماری و آسیبی) در امان‌اند. ۵۵ جز مرگ نخستین‌شان (در دنیا،

الْمَوْتَةَ الْاُولَىٰ) وَوَقَلْنَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾ فَضْلًا مِنْ

دیگر) در آنجا (طعم) مرگ را نمی‌چشند، و (خداوند) ایشان را از عذاب دوزخ حفظ می‌کند. ۵۶ (این‌ها همه) به سبب لطف و عنایت

رَبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٥٧﴾ فَاِتْمَا يَسْرُنَهُ بِلِسَانِكَ

پروردگارت (بر آنان) است. نجات و پیروزی بزرگ، تنها همین است و بس. ۵۷ ما فقط بدین علت قرآن را به زبان تو (یعنی عربی فصیح) نازل

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾ فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ ﴿٥٩﴾

کردیم و آسان ساختیم که پند گیرند. ۵۸ پس (اکنون که پند نمی‌گیرند)، منتظر (عذاب‌شان) باش. آنان (نیز) انتظار (نابودی تو را) می‌کشند. ۵۹

سُورَةُ الدُّحَّانِ اٰیَاتُهَا ۲۷

۴۳ تا ۵۷. درخت زقوم؛ لباس ابریشم؛ این آیات، وضعیت فلاکت بار دوزخیان و برخی از عذاب‌هایشان و حال و روز خرم بهشتیان و بعضی از نعمت‌هایشان را وصف می‌کند. در این آیات، به ۵ عذاب دوزخ و ۸ نعمت بهشت اشاره شده است. عذاب‌های دوزخی این‌هاست: ۱- درخت زقوم: عرب زمان نزول قرآن با درخت زقوم آشنا بود. زقوم، نام گیاهی تلخ، بدبو و بدمزه با برگ‌های کوچک و شیرهای تلخ است که در صورت برخورد با بدن، آن را متورم می‌کند. بر اساس آیات قرآن، زقوم جهنم، ظاهری بسیار وحشتناک دارد و دوزخیان از آن درخت می‌خورند و این برای آنان عذابی بسیار سخت است؛ چون این خوراک مذاب، همچون آب جوش در شکم گنه‌کاران می‌جوشد! ۲- پرتاب در میان دوزخ: عذاب دوم دشمنان خدا، این است که با پای خود وارد جهنم نمی‌شوند؛ بلکه با توهین تمام به میان جهنم پرتاب می‌شوند. ۳- آب جوش: سومین عذاب دوزخیان این است که پس از پرتاب شدن در میان دوزخ، آبی جوشان بر سرشان ریخته می‌شود که با آن، پوست‌ها و حتی درونشان گداخته می‌شود. ۴- خرد شدن شخصیت دروغین: به فرموده‌ی آیه‌ی ۴۹، دوزخیان که در دنیا خود را از همگان برتر می‌دانستند و هیچ‌گاه حاضر به اطاعت از خدا و پیامبرانش نمی‌شدند و پیروان آنان را مردمانی پست برمی‌شمردند، در دوزخ با لحنی توهین‌آمیز مورد خطاب قرار می‌گیرند: «بپس که تو همان شخص عزیز و محترم هستی!» ۵- توبیخ در مورد گذشته: به فرموده‌ی آیه‌ی ۵۰، به دوزخیان پس از چشیدن سخت‌ترین عذاب‌ها خطاب می‌شود که این همان عذاب‌هایی‌ست که شما در دنیا در مورد آن‌ها شک داشتید.

نعمت‌های بهشتی این آیات نیز این‌هاست: ۱- جایگاه امن: به فرموده‌ی آیه‌ی ۵۱، محل استقرار بهشتیان، از هر نوع بیماری، ناامنی، پیری و مرگی پاکیزه است و هیچ آفتی در آن راه ندارد. ۲- بهشتیان در کنار باغ‌های سرسبز و چشمه‌سارها به سر می‌برند. ۳- لباس‌های ابریشم: به فرموده‌ی آیه‌ی ۵۳، بهشتیان، لباس‌هایی از ابریشم به تن دارند؛ گاهی ابریشم نازک و گاهی ضخیم، و این، نشان‌دهنده‌ی تنوع لباس‌های آن‌هاست. البته بدون شک، ابریشم بهشت با ابریشم دنیا مقایسه‌شدنی نیست و این توصیف فقط اشاره‌ای به لباس‌های بی‌نظیر آنان است. ۴- هم‌نشینی باشکوه: اهل بهشت، بخشی از وقت خود را به هم‌نشینی با یکدیگر می‌گذرانند. به‌راستی چه مهمانی باشکوهی‌ست هم‌نشینی با انبیا و اولیای الهی! ۵- همسران بهشتی: یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های بهشت، داشتن همسران زیبا و مهرورز بهشتی‌ست که به فرموده‌ی روایات، برترین نعمت مادی بهشت محسوب می‌شوند. ۶- انواع میوه‌ها: در آیه‌ی ۵۵ می‌خوانیم که بهشتیان به هر نوع میوه‌ای که بخواهند، دسترسی دارند و از خراب شدن یا از دست رفتن آن‌ها هیچ نگران نیستند. ۷- نجشیدن مرگ: بهشتیان می‌دانند هیچ‌گاه پیر نمی‌شوند و هرگز نمی‌میرند؛ زیرا انسان اگر در بهترین نعمت‌ها هم قرار داشته باشد و بداند که روزی آن‌ها را از دست می‌دهد، به معنای حقیقی از زندگی خود لذت نمی‌برد. ۸- رهایی از دوزخ: فکر مجازات شدن در دوزخ، هیچ‌گاه زندگی شیرین آنان را تلخ نمی‌کند و آن‌ها می‌دانند که اگر لغزشی هم داشته‌اند که مستحق مجازات بوده، به لطف خدا بخشیده شده‌اند و خدا برای همیشه، آنان را از عذاب دوزخ حفظ خواهد کرد.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

حَمَّ ۱ تَنْزِيلِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۲ إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ

حاه، میم. ۱ نازل کردن این کتاب، از جانب خداوند شکست ناپذیر و حکیم است. ۲ به راستی که در آسمانها

وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ ۳ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ

و زمین، نشانه‌هایی برای مؤمنان وجود دارد. ۳ و در آفرینش شما و جنیندگانی که (در زمین) پراکنده است، نشانه‌هایی

لِقَوْمٍ يوقنون ۴ وَاختلاف الليل والنهار وما أنزل الله من السماء

برای اهل یقین وجود دارد. ۴ و (نیز) در گردش بیابی شب و روز، و در رزق و روزی‌ای که خدا (به صورت باران) از آسمان فرو

من رزق فأحيا به الأرض بعد موتها وتصريف الرياح آيات لقوم

می‌فرستد، و بدین وسیله، زمین را پس از مرگش زنده می‌کند، و در تغییر جهت دادن بادها، نشانه‌هایی برای افرادی است که عقل

يعقلون ۵ تلك آيات الله نتلوها عليك بالحق فبأي حديث بعد

خویش را به کار می‌گیرند. ۵ این نشانه‌های خداست که بر تو می‌خوانم؛ در حالی که سراسر حق و حقیقت است. (اگر به اینها ایمان نیاورند،

الله وآياته يؤمنون ۶ ويل لكل أفاك أثيم ۷ يسمع آيات

پس به کدام سخن پس از (سخن) خدا و (بیان) نشانه‌هایش ایمان می‌آورند؟ وای بر هر دروغ‌پرده‌ای که کاره! که آیات خدا را که بر او خوانده

الله تتلى عليه ثم يصبر مستكبرا كأن لم يسمعها فبشره بعذاب أليم

می‌شود، می‌شنود؛ (ولی) باز هم با تکبر، بر کفر و گناه خود) پافشاری می‌کند؛ چنان‌که گویی (اصلاً) آن را نشنیده است! پس او را به عذابی

۸ وإذا علم من آياتنا شيئا اتخذها هزوا أولئك لهم عذاب

در دناک بشارت ده! هنگامی که به چیزی از آیات ما آگاهی پیدا کند، آن را به مسخره می‌گیرد. آنان، عذابی خورگنده و ذلت‌بار

مهمين ۹ من ورآتهم جهنم ولا يعنى عنهم ما كسبوا شيئا

خواهند داشت. ۹ پیش رویشان دوزخ است، و نه آنچه (از مال و ثروت دنیا) به دست آورده‌اند و نه آنچه به جای خدا

ولا ما اتخذوا من دون الله أولياء ولهم عذاب عظيم ۱۰ هذا

سرستان (خود) اختیار کرده‌اند. چیزی (از عذاب خدا) را از آنان دفع نمی‌کند، و عذابی بزرگ خواهند داشت. ۱۰ این (قرآن)،

هدى والذين كفروا بآيات ربهم لهم عذاب من رجز أليم ۱۱

هدایت است، و کسانی که آیات و نشانه‌های پروردگارش را انکار می‌کنند، عذابی دردناک خواهند داشت؛ عذابی بسیار سخت. ۱۱

الله الذى سخر لكم البحر لتجرى الفلك فيه بأمره ولتبتغوا

«الله»، کسی است که دریا را در جهت منافع (و کمال) شما، رام و مسخر کرد تا به فرمان او، کشتی‌ها در آن حرکت کنند، و تا شما از

من فضله ولعلكم تشكرون ۱۲ وسخر لكم ما فى السموات

فضل و روزی او طلب کنید، و باشد که شما شکر کنید. ۱۲ و آنچه را که در آسمانها و زمین است، در جهت منافع (و کمال) شما

وما فى الأرض جميعا منه إن فى ذلك لآيات لقوم يتفكرون ۱۳

رام و مسخر کرد؛ در حالی که همگی از جانب اوست. به راستی که در این (پدیده)، نشانه‌هایی برای اهل اندیشه و فکر وجود دارد. ۱۳

و ما فى السموات

و آنچه را که در آسمانها و زمین است، در جهت منافع (و کمال) شما

وما فى الأرض جميعا منه إن فى ذلك لآيات لقوم يتفكرون ۱۳

رام و مسخر کرد؛ در حالی که همگی از جانب اوست. به راستی که در این (پدیده)، نشانه‌هایی برای اهل اندیشه و فکر وجود دارد. ۱۳

بسم

۳ تا ۶. نشانه‌های علم و قدرت خدا: این آیات به هفت نشانه از نشانه‌های علم و قدرت خدا اشاره کرده‌اند: ۱- آسمان‌ها: نظام شگفت‌انگیز کهکشان‌ها و منظومه‌های بی‌شمار آن، یکی از نشانه‌های خداست؛ مجموعه‌ای بی‌نهایت بزرگ که میلیاردها سال است با نظم تمام و بدون کمترین اختلاف و اشتباهی با برنامه‌ای بسیار دقیق به کار خود ادامه می‌دهد. ۲- زمین: به گفته‌ی برخی از دانشمندان، زمین ۱۴ نوع حرکت دارد؛ حرکتی مانند حرکت وضعی، انتقالی و حرکت با خانواده‌ی منظومه‌ی شمسی در دل کهکشان. با این حال چنان آرام است که میلیاردها انسان و موجودات دیگر بر روی آن زندگی می‌کنند و اگر پیشرفت‌های علمی نبود، هرگز کسی از حرکت آن آگاه نبود. این زمین نه چنان سخت است که نتوان در آن زراعت کرد و ساختمانی بنا کرد، و نه چنان نرم است که نتوان بر آن قرار یافت و زندگی کرد. همچنین انواع معادن و منابع حیاتی، کوه‌ها، دریاها، جو زمین و...، هر یک نشانه‌ای اسرارآمیز از آفریدگار آن است. ۳- آفرینش انسان: انسان که برترین مخلوق است که ما می‌شناسیم، یکی از برترین نشانه‌های خداست؛ مخلوقی که خداوند با آفرینش او به خود آفرین گفت و خویشتن را برترین آفریدگار معرفی کرد. جسم او و شگفتی‌های بی‌شمار آن مانند سیستم اعصاب، گوارش، گردش خون و...، و بالاتر از آن، روح او و دنیای هزارلایه و بی‌پایان آن، نشانه‌ای بسیار روشن از وجود خالق بی‌نهایت قدرتمند و داناست که این‌همه توانایی و استعداد را در یک مخلوق به‌ظاهر کوچک نهاده است.

امام علی علیه السلام چه زیبا فرموده است: «آیا تو گمان می‌کنی که جسمی کوچک هستی؛ در حالی که عالمی بسیار بزرگ در وجودت نهفته شده است؟» ۴- جنبندگانی که در زمین پراکنده شده‌اند؛ از جانوران ذره‌بینی گرفته تا حیوانات غول‌پیکر، با ویژگی‌ها و ساختمان‌های کاملاً متنوع و رنگارنگ که گاه برای مطالعه‌ی نوعی از آن‌ها باید جمعی از دانشمندان، تمام عمر خود را صرف آن کنند نیز نشانه‌ای از حکمت و قدرت پروردگار هستی است. ۵- رفت و آمد شب و روز: این پدیده نیز یکی از نشانه‌های مهم خداست. می‌دانیم که وجود شب و روز، مایه‌ی تعادل زندگی جانوران زمین می‌شود، و اگر یکی از آن دو نبود یا بسیار طولانی بود، زندگی زمینیان به خطر می‌افتاد. البته امکان چنین اتفاقی کاملاً وجود دارد؛ زیرا می‌دانیم که شب و روز با حرکت زمین به دور خودش (حرکت وضعی) پدید می‌آید و اگر زمین هم مانند کروی ماه بود، هر یک از شب و روز، به اندازه‌ی پانزده شبانه‌روز زمین طول می‌کشید؛ زیرا ماه در هر سی روز تنها یک بار به دور خود می‌چرخد. قرآن حتی از این بالاتر به مردم می‌فرماید که اگر خدا هر یک از شب و روز را تا قیامت ادامه دهد، چه کسی می‌تواند آن را به حالت اول بازگرداند؟ ۶- باران: روزی حیات‌بخش آسمانی که در زندگی‌بخشی‌اش هیچ سخنی نیست و هر جا نشانه‌ای از نشاط زندگی دیده می‌شود، ثمره‌ی برکت آن است. به‌راستی چه کسی این‌همه آب خالص را از هزاران کیلومتر دورتر به پرواز در می‌آورد و به سرزمین‌های خشک می‌رساند و آن‌ها را زنده می‌کند؟ ۷- گردش بادها: بادها، ابرها را به حرکت در می‌آورند و هوای پراکسیژن را از جنگل‌ها به شهرها، و هوای آلوده به کربن را برای تصفیه از شهرها به جنگل‌ها می‌برند؛ بادهایی که گیاهان را بارور می‌کنند و به آب دریاها حرکت می‌بخشند و آن را از فاسد شدن نکه می‌دارند.

قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ

به مؤمنان بگو: از (کنار پناه‌گویی‌های) کسانی که انتظار (فرارسیدن) روزهای (قلبی‌ی فرمان) خداوند را ندانند، بگذرند (و با آنان درگیر نشوند و بحث و

قوماً بما كانوا يكسبون ﴿١٤﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ

جدل نکنند) تا خداوند (خود) قومی (بی‌مقدار) را به سزای اعمالی که به دست آوردند، جزا دهد. ۱۴ هر کس که کار نیک کند، به سود خودش کرده، و

وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلِيَهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١٥﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا

هر کس که بدی کند، به ضرر خودش کرده است. سپس (برای محاسبه و جزا) به پیشگاه پروردگارتان بازگردانده می‌شوید. ۱۵ بفرست که به بنی‌اسرائیل،

بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ

کتاب (آسمانی) و (ایزار) دوری (میان مردم) و نبوت دادیم و از چیزهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنان را

الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾ وَءَاتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ

بر جهانیان (عصر خودشان) برتری بخشیدیم. ۱۶ و در برهه‌ی امر (دین)، دلایلی روشن به آنان

مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغِيًّا

عطا کردیم. پس ایشان تنها پس از به دست آوردن علم و آگاهی (از حقیقت)، به سبب ستم و حسادت که

بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ

بین‌شان بود، (در برهه‌ی دین) دچار اختلاف شدند. پروردگار تو، در روز قیامت، در برهه‌ی آنچه پیوسته به‌هم اختلاف داشتند،

يَخْتَلِفُونَ ﴿١٧﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا

دوری خواهد کرد. ۱۷ سپس تو را بر راه و روشی (خاص) از امر (دین) قرار دادیم. بنابراین، پیرو آن باش و از هوا

وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنْكَ

و هوس کسانی که نمی‌دانند، پیروی مکن؛ ۱۸ زیرا آنان هیچ چیز از (عذاب) خدا را نمی‌توانند

مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ

از تو دفع کنند، و ستم‌کاران، دوست و یاور یکدیگرند، و خداوند، سرپرست

وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩﴾ هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ

پرهیزکاران است. ۱۹ این (قرآن)، برای مردم، دلایلی روشن، و برای اهل یقین، هدایت

يُوقِنُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ

و رحمت است. ۲۰ آیا کسانی که مرتکب کارهای ناشایست شدند، می‌پندارند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم

كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ

که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند؛ و طوری که زندگی و مرگ‌شان یکسان باشد؟ چه

سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٢١﴾ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ

قضای بدی دارند! ۲۱ (چطور چنین چیزی امکان دارد؟! حال آن‌که خدا آسمان‌ها و زمین را هدفمند آفریده است، و نتیجه‌ی

وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٢﴾

(این آفرینش)، چنین خواهد شد که همگان در برابر کارهایشان، جزا خواهند دید و مورد ستم قرار نمی‌گیرند. ۲۲

۱۴. ایام الله: قرآن مجید در دو جا به روزهای خدا (ایام الله) اشاره کرده است. بدون شک همه‌ی روزها از آن خداست؛ همان‌طور که همه‌ی مکان‌ها برای خداست، و اگر مکان خاصی «بیت الله» (خانه‌ی خدا) نامیده شده، به سبب ویژگی خاص آن است. به همین ترتیب، ایام الله به روزهای خاصی اشاره می‌کند که امتیاز فوق‌العاده‌ای دارند. می‌توان گفت که ایام الله، روزهایی هستند که فرمان‌روایی و حکم خدا در آن‌ها چنان آشکار می‌شود که در روزهای دیگر چنین نیست؛ مانند روز مرگ انسان که فرمان‌روایی و تسلط خدا بر همه چیز برای انسان آشکار می‌شود و تمام اسباب دنیایی و حتی اختیار انسان از کار می‌افتد؛ یا روز قیامت که هیچ‌کسی به خواست و اراده‌ی خود نمی‌تواند کاری برای خود یا دیگری انجام دهد و تمام کارها به دست خداست؛ یا روزهایی که خدا در آن‌ها اقوام هدایت‌ناپذیر نوح، عاد و ثمود و ... را نابود کرد و غلبه و سلطه‌ی خود را آشکار نمود؛ یا روزهایی که خدا برخی از پیامبران یا پیروانشان را یاری کرد یا نجات داد؛ مانند روزی که خدا نوح علیه السلام و همراهانش را از طوفان نجات داد، یا آتش را بر ابراهیم علیه السلام گلستان کرد، یا موسی علیه السلام و قومش را از دریا گذراند و آن‌ها را از شر فرعونیان نجات بخشید.

بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام، یکی از مهم‌ترین روزهای خدا، روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام است؛ روزی که به فرمان خدا، آخرین انسان کامل آشکار می‌شود و همو به یاری و لطف خدا، زمین را از آلودگی ظلم و فساد پاک می‌کند و ستمگرانِ گردن‌کش و مغرور را از مرکب تکبر به زمین می‌کوبد و مستضعفانِ آزاردیده و مظلوم را از زنجیر اسارتِ طاغوت‌های زمین می‌رهاند و سراسر زمین را که از ظلم و ستم تاریک شده، با نور عدل و داد روشن می‌کند. به‌راستی توجه به ایام الله و روزهایی که خدا گوشه‌ای از سلطه‌ی خود را در آن‌ها آشکار می‌کند، انسان را از ظلمت غفلت، خودخواهی، ظلم و ستم و هواپرستی نجات می‌دهد و به نور خدائرسی و خویش‌داری وارد می‌کند. بی‌جهت نیست که در آیه‌ی ۵ سوره‌ی ابراهیم علیه السلام می‌خوانیم که خدا به حضرت موسی علیه السلام فرمان داد: «قومت را از تاریکی‌ها بیرون ببر و به نور برسان و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن.»

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ

آیا توجه کرده‌ای به کسی که معبود خود را هوا و هوسش قرار داده، و خداوند او را (به سزای کفر و تکذیبش) گمراه کرده است؟! در حالی که (آن) و قلبه و جعل علی بصره غشوة فمن یدیه من بعد الله شخص، به خوبی از راه حق و باطل آگاه است، و (خدا) بر گوش و دلش مهر نهاده و بر چشمش پرده‌ای افکنده است. پس بعد از خدا، چه کسی

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۲۳﴾ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا

او را هدایت می‌کند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟ ۲۳ گفتند: «زندگی»، فقط همین زندگی دنیایی ماست؛ می‌میریم و زنده می‌شویم و فقط (کردش) روزگار

إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿۲۴﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ

است که ما را تابود می‌کند (نه آری دیگری که شما می‌گویید). در این باره، هیچ علمی ندارند و فقط حدس و گمان می‌زنند. ۲۴ هنگامی که

عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتَّبَعْنَا آبَاءَنَا إِنْ

آیات ما در حالی که روشن و واضح است، بر آنان خوانده می‌شود، تنها دلیلشان این است که بگویند: «ما را راست می‌گویند، پدران

كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۲۵﴾ قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ

ما را (زود ما) بیاورید. ۲۵ بگو: خدا، شما را زنده می‌کند و شما را می‌میراند. آنگاه شما را (در عالم برزخ) تا روز قیامت

الْقِيَامَةِ لَارِيبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۲۶﴾ وَاللَّهُ مُلْكُ

که هیچ تردیدی در آن نیست، گرد می‌آورد؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. ۲۶ فرمان‌روایی آسمان‌ها و زمین فقط

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ

برای خداست، و روزی که قیامت برپا شود، کسانی که ادعاهای باطل و بی‌اساس می‌کردند، در آن روز زیان‌کار خواهند شد.

﴿۲۷﴾ وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُحْزَرُونَ مَا

۲۷ (در آن روز) می‌بینی که هر امتی، (با تواضع و فروتنی) دوزانو (در پیشگاه خداوند حاکم) نشسته‌اند (و در انتظار قضاوت او به سر می‌برند). و هر

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۲۸﴾ هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ

امتی، به نامی اعمال خود فراخوانده می‌شود (و به آنان می‌گویند) امروز آنچه را می‌کردید، به عنوان جزا دریافت خواهید کرد. ۲۸ این کتاب

مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۲۹﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

ماست که برضد شما گواهی می‌دهد: در حالی که سراسر حق است؛ زیرا ما همواره امر می‌کردیم که از آنچه شما انجام می‌دادید، نسخه‌ای ثبت کنند. ۲۹ اما

فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿۳۰﴾ وَأَمَّا

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پروردگاران، آنان را در رحمت خود وارد می‌کند. این همان نجات و پیروزی آشکار است. ۳۰ اما (به)

الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا

کسانی که کفر ورزیدند (گفته می‌شود): «مگر آیات من بر شما خوانده نمی‌شد؟ (ولی) نتیجه‌ی (آن همه هشدار) این بود

مُجْرِمِينَ ﴿۳۱﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَارِيبَ فِيهَا قُلْتُمْ

که شما تکبر ورزیدید و افرادی گنه‌کار بودید. ۳۱ هنگامی که گفته می‌شد «وعده‌ی خدا حق است و هیچ تردیدی در قیامت وجود

مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ ﴿۳۲﴾

نداریم، می‌گفتید: «ما نمی‌دانیم که قیامت چیست. ما (در این مورد) فقط گمانی (ضعیف) داریم و بر ایمان یقین حاصل نشده است.» ۳۲

۲۸ و ۲۹. اُمّت‌ها در انتظار داوری: قیامت، دادگاه عجیبی‌ست؛ دادگاهی که میلیاردها انسان در آن حضور دارند و برای دریافت پاداش یا کیفر تک تک اعمالشان انتظار خواهند کشید. در زمان گذشته، کسانی که برای گرفتن حکم قاضی در دادگاه حضور می‌یافتند، دوزانو و مؤذّب در برابر قاضی می‌نشستند و در انتظار قضاوت او می‌ماندند. به فرموده‌ی این آیات، در قیامت، تمام انسان‌ها در هر اُمّتی به همین شکل و با کمال ادب و فروتنی در انتظار حکم قاضی قیامت، یعنی پروردگار جهانیان، می‌نشینند. البتّه محاسبه‌ی اعمال مردم در قیامت، کاملاً عادلانه است؛ زیرا در آن روز، نامه‌های اعمال را به میان می‌آورند و تک‌تک کارهای مردم را به آنان نشان می‌دهند. آری، نامه‌های اعمال چنان گویا هستند که به دلیل دیگری نیاز نیست و انسان‌ها با کمال تعجب، تمام کارهای ریز و درشتشان را در آن مشاهده می‌کنند. در آیه‌ی ۴۹ سوره‌ی کهف می‌خوانیم: «نامه‌های اعمال نهاده می‌شود و گنه‌کاران را می‌بینی که از محتوای نامه‌ی عملشان به شدّت نگران‌اند و می‌گویند: وای بر ما! این چه نوشته‌ای‌ست که هیچ کار کوچک و بزرگی را از قلم نینداخته است، و تمام کارهایشان را حاضر و آماده می‌بینند. آری، خدا به هیچ کس ظلم نمی‌کند.»

در آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی اسراء نیز می‌خوانیم که هر کس با دیدن نامه‌ی عملش، به راحت می‌تواند در مورد خود و سرنوشتش قضاوت کند و به دلیل و مدرک دیگری نیاز ندارد. این همان حقیقتی‌ست که در قیامت، به فرموده‌ی آیات مورد بحث، به مردم گفته می‌شود: ﴿إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِجُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (ما همواره کارهای شما را می‌نوشتیم). شاید در گذشته، تصوّر این‌که تک‌تک کارهای انسان ثبت شود، کمی مشکل بود؛ ولی اکنون که ابزار فیلم‌برداری اختراع شده، به آسانی می‌توان تصوّر کرد که می‌شود لحظه‌لحظه‌ی اعمال یک نفر و تمام حرکات ریز و درشت او را ثبت کرد؛ هرچند که بی‌شک، پدیده‌ی ثبت اعمال، کاری بسیار پیشرفته‌تر است که ما از کیفیت آن بی‌خبریم. از طرفی، علم پروردگار جهان - که حاکم روز قیامت است - بالاتر از همه‌ی این‌هاست؛ به طوری که او از نیت‌های انسان‌ها که درون سینه‌شان پنهان است نیز آگاهی دارد. به هر حال اگر انسان به این حقیقت پنهان ایمان داشته باشد، دیگر حضور در جمع مردم یا پنهان بودن از آن‌ها و مخفی بودن از دیگران، برایش فرقی نمی‌کند، و در هر دو حالت، خود را در پیشگاه خدا و فرشتگان او می‌بیند که مأمور ثبت اعمال بندگانش هستند.